

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۱۳

شنبه ۶ بهمن ۱۴۰۳، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۴

ظریف حامل پیام حکومت در مانده در داووس

کاظم نیکخواه

این هفته مجمع سالانه اقتصادی جهانی در داووس برگزار شد و به عنوان نماینده جمهوری اسلامی، محمدجواد ظریف که در حکومت پزشک‌پسندان کاره‌ای نبود در این مجمع شرکت کرده بود. اما نقش اصلی ظریف ارائه راه‌حل و استراتژی اقتصادی نبود. بلکه او آمده بود تا پیام تسلیم حکومت را به قدرت‌های متخاصم جهانی بدهد. او آمده بود تا به جهان اعلام کند که جمهوری اسلامی پرچم سفید بلند کرده است و خواهان مذاکره با ترامپ است. مسئله بی‌حجابی زنان را پذیرفته است. و حکومت اسلامی در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای و تهدیدی برای صلح جهانی نیست و امثال اینها.

واقعیت این است که حکومت اسلامی در داخل کشور وسیعاً در محاصره مردم سرنگونی طلب و متعرض است و در سطح بین‌المللی منزوی است و با روی کار آمدن ترامپ وحشت کرده است که ممکن است تحریم‌های گسترده اقتصادی علیه حکومت اعمال شود و اقتصاد ورشکسته‌اش به طور کامل فروپاشد و یا اسرائیل با حمایت آمریکا به ضربات نظامی‌اش به حکومت ادامه دهد. این وضعیت باعث شده است که دولت پزشک‌پسندان شخص ظریف را که مقامی در حکومت نداشت به داووس فرستاد که شاید بتواند از آشنایی‌های قبلی‌اش با سران کشورها استفاده کند و فضای بین‌المللی را به نفع حکومت کمی آرام‌تر نماید.

آیا ظریف موفق بوده است؟ دست‌اندرکاران حکومت اسلامی سفیهانه تصور می‌کنند که سیاستمداران و مردم دنیا از شرایط داخل ایران بی‌خبرند و هرچه آنها بگویند را چشم‌پوش می‌پذیرند. گویا فضای بی‌حجابی در خیابان‌های ایران به لطف دولت پزشک‌پسندان بوده است و ایشان تصمیم گرفته است به زنان کاری نداشته باشد! گویا دختران جوانی به نام مهسا امینی و یا آرمیتا گرواند و نیکا و سارینا و شمار بسیار بیشتری را اوباش همین حکومت نکشته‌اند. گویا پرستو احمدی و گروه موزیکش را به دلیل اینکه بی‌حجاب موزیک اجرا کرده بازداشت نکردند و بعد زیر فشار ناچار نشدند آزاد و محدود کنند. فکر می‌کنند دنیا نمی‌داند که با دختر جوان، آهو دریایی چه رفتاری داشتند. یا نمی‌داند چه تعداد زن و مرد در این کشور به دلیل عدم رعایت حجاب و شئون کثیف اسلامی در زندان‌اند یا قربانی شده‌اند. فکر می‌کنند دنیا نمی‌داند که دهها معترض سیاسی در زندان‌ها زیر تیغه اعدام قرار دارند و کارزارها و تلاش‌ها و فعالیت‌های گسترده‌ای علیه مجازات اعدام و برای نجات آنها در جریان است. گویا مردم دنیا نمی‌دانند که سال گذشته نزدیک به هزار نفر در زندان‌های این کشور به چوبه اعدام سپرده شدند.

اما فاکتور مهم در اوضاع سیاسی ایران دولت‌ها نیستند. حکومت اسلامی به طور واقعی از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آچمز شده و شکست خورده است.

ادامه در صفحه ۵



خاکریز اعدام را هم باید فتح کنیم

میزگرد ارزیابی از اعتصاب عمومی در کردستان

صفحه ۲

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

زنده‌باد اعتصاب عمومی در کردستان

زنده‌باد جنبش علیه اعدام

صفحه ۶

اعتصاب عمومی کردستان و بازتاب سراسری آن

گفت‌وگو با شهلا دانشفر

صفحه ۷

فضای انفجاری جامعه

نسان نودینیان

صفحه ۸

ظریف نماد وقاحت و ذلالت جمهوری اسلامی در

داووس

مهران مجیبی

صفحه ۱۱

اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۱۲



خاکریز اعدام را هم باید فتح کنیم میزگرد ارزیابی از اعتصاب عمومی در کردستان

اصغر کریمی: اکثر اعتصابات عمومی که در دو دهه اخیر در کردستان صورت گرفته علیه اعدام بوده است. اعتصابات قبلی بعد از جنایت اعدام صورت گرفت ولی این اعتصاب یک اقدام پیشگیرانه بود برای نجات محکومین به اعدام و این یک تفاوت قابل توجه بود که نشان‌دهنده پیشروی مردم و آمادگی بیشتر جامعه علیه اعدام و به‌طور کلی علیه جمهوری اسلامی است.

اعتصابات عمومی قبلی نیز همه به فراخوان احزاب سیاسی صورت گرفت. این بار هم همین‌طور بود اما تعداد بیشتری از احزاب و جریانات سیاسی به این اعتصاب فراخوان دادند و این نیز یک پیشرفت است.

اما به نظر من تفاوت اصلی که بسیار مهم است این بود که این بار این اعتصاب بر متن یک جنبش بسیار توده‌ای‌تر شده در سراسر کشور و در خارج کشور سازمان داده شد. اعتصابات قبلی اگر نه تماماً ولی اساساً کردستانی بود. در کردستان صورت می‌گرفت و سایر نقاط ایران به‌جز فعالین علیه اعدام و برخی تشکل‌ها در آن دخیل نبودند. در مواردی مثل اعتصابی که به دنبال اعدام زانیار و لقمان مرادی و رامین حسین‌پناهی صورت گرفت کمیته‌ای که در خارج کشور توسط کمیته بین‌المللی علیه اعدام و دوستان دیگری سازمان داده شده بود نقش مهمی داشت و فضای اعتصاب را فراهم کرد. در سایر اعتصابات نیز نهاد قدرتمندی مثل کمیته بین‌المللی علیه اعدام و سخنگوی آن مینا احدی نقش حائز اهمیتی داشتند اما علی‌رغم همه اینها از حمایت و همراهی نقاط دیگر کشور در بُعدی توده‌ای همراه نبود. این بار اما جنبش علیه اعدام بسیار قدرتمندتر از همیشه بود. از زندانیانی که در استان‌های مختلف کشور به سه‌شنبه‌های اعتراض پیوسته‌اند تا زندانیان سیاسی زن در اوین، تشکل‌های مختلف کارگری و دانشجویی، معلمان و غیره کارزار وسیعی را علیه احکام اعدام پخشان و وریشه و سایر احکام اعدام و علیه مجازات اعدام به‌طور کلی شروع کرده بودند. بیانیه‌های متعددی با صدها یا هزاران امضا توسط تشکل‌ها و فعالین از طیف‌های مختلف هنرمند و وکیل و دانشجو و کارگر و معلم و فعالین حقوق زن و غیره شروع شده بود. در کردستان نیز قبل از اعتصاب ۳ بهمن تحركات درخشانی در جریان بود. از خانواده‌های دادخواه که در چند مراسم و تجمع علیه اعدام بیانیه خواندند و پیام دادند تا تجمع مهم در مقابل استانداری کردستان در سنجند در روز ۲۶ دی زمینه‌ساز این اعتصاب بودند. در خارج کشور نیز تحرك علیه این احکام اعدام وسیع و گسترده بود، هم در شکل تجمعات، هم کارزارهایی که سازمان داده شده است و هم تلاش برای جلب حمایت بین‌المللی و فشار دول غربی به جمهوری اسلامی برای لغو این احکام. اعتصاب ۳ بهمن بر متن چنین شرایطی صورت گرفت.

این از هر نظر مهم است. تحکیم رابطه

روز چهارشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۳ شهرهای کردستان در دفاع از جان و زندگی دو زندانی سیاسی زن، پخشان عزیز و وریشه مرادی، که خطر اعدام تهدیدشان می‌کند و برای لغو همه احکام اعدام وارد اعتصاب عمومی شد. در این میزگرد مهمانان به سؤال‌های ما در رابطه با همین اعتصاب عمومی پاسخ می‌دهند.

انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری و شش حزب دیگر در کردستان فراخوان اعتصاب عمومی دادند. این فراخوان قرار بود به چه نیازی پاسخ دهد؟

نسان نودینیان: اجازه بدهید زمینه‌های فراخوان به اعتصاب عمومی سوم بهمن ۱۴۰۳ را کنکرت بگویم. اعتصاب بر بستر اعتراضاتی وسیع علیه مجازات اعدام فراخوان داده شد. اعتصاب قرار بود در حمایت از خواست لغو مجازات اعدام که در جامعه فعالانه مطرح شده است، برگزار شود. که به نظر من موفق بود و به این نیاز مهم جواب مثبت داد. اعتصاب گسترده‌ای در حداقل ۱۲ شهر در کردستان و کرمانشاه و تعطیلی بازار و مغازه‌ها عملاً به جمهوری اسلامی تبهکار اعلام کرد که مردم برای چندمین بار علیه اعدام می‌ایستند و دست به اعتراض جمعی می‌زنند. اعتصاب ابزار انزجار و نارضایتی دسته‌جمعی مردم علیه جمهوری اسلامی و اعدام بود.

جمهوری اسلامی تلاش کرد از برگزاری اعتصاب جلوگیری کند. شب سه‌شنبه دوم بهمن برای ممانعت از اعتصاب جلسه‌ای در استانداری کردستان با حضور نماینده وزارت اطلاعات و شورای تأمین استان کردستان و مسئولان اصناف این استان برگزار کرد. در این جلسه از مسئولان اصناف خواسته شد اعتصاب روز چهارشنبه سوم بهمن در کردستان در اعتراض به احکام اعدام پخشان عزیز و وریشه مرادی را متوقف کنند. نماینده وزارت اطلاعات در این جلسه اعلام کرد: «ما جلوی اجرای حکم پخشان عزیز را می‌گیریم، شما جلوی اعتصاب را بگردید.» این جلسه وضعیت خراب و زیوانه جمهوری اسلامی را منعکس می‌کند. مقامات جمهوری اسلامی تحت فشار اعتراضات وسیع و مردمی و فراخوان‌های سراسری علیه اعدام اجرای حکم اعدام پخشان عزیز را موقتاً متوقف و عقب‌نشینی کردند. مسئولین اصناف کردستان این خواست مقامات جمهوری اسلامی را نپذیرفتند. خوشبختانه اعتصاب با موفقیت برگزار شد. اعتصاب موفق سوم بهمن تلاشی برای لغو احکام اعدام، خصوصاً لغو احکام اعدام پخشان عزیز و وریشه مرادی بود.

انترناسیونال: فضای سیاسی و عمومی‌ای که در بستر آن این فراخوان داده شده است را چگونه می‌بینید؟ تفاوت این اعتصاب عمومی که در مقابله با حکم اعدام پخشان و وریشه داده شد با اعتصابات عمومی گذشته در چیست؟

خاکریز اعدام را هم باید فتح کنیم از صفحه ۲

میان کردستان و سایر نقاط کشور که از انقلاب زن زندگی آزادی شروع شد با این اتفاق مستحکم‌تر شد. جنبش قدرتمند علیه اعدام نیز با کل این تحركات و اعتصاب قدرتمند ۳ بهمن گام بزرگی به جلو برداشت. اعدام یکی دیگر از خاکریزهای مهم حکومت است و جامعه بلند شده تا این خاکریز را نیز فتح کند. به این معنی کل این تحركات و اعتصاب عمومی در کردستان فقط علیه اعدام نیست علیه مجازات اعدام و علیه حکومت اعدام است و به این معنی این تحركات گام دیگری در پیشروی مردم علیه جمهوری اسلامی است و زمینه را برای گام‌های بیشتر فراهم‌تر کرد.

انترناسیونال: نقش فعالین اجتماعی در بسیج عمومی از چه اهمیتی برخوردار بود. زنان چه جایگاهی در این میان داشتند تا این اعتصاب با قدرت بیشتری به جلو برود؟

عزیزه لطف‌اللهی: در کردستان نقش فعالین مدنی، زنان، کارگران و معلمان و بازنشستگان در اعتراض به قتل‌های ناموسی، مسئله کودکان، و زندانیان سیاسی و اعدام و دادخواهان نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند. سابقه اعتراض ۱۵۰۰ امضا به قتل‌های ناموسی، جشن‌های آدم‌برفی‌ها

برای کودکان و در دفاع از کودکان، زنان سرخ‌پوش مریوان در اعتراض به تحقیر زنان در جمهوری اسلامی، برگزاری هشت مارس روز جهانی زن، اعتراض به زن‌کشی که قبل از قتل زینا در مریوان برگزار شد و اول مه‌ها و ده‌ها اعتراض دیگر را می‌توان در کارنامه درخشان مردم و فعالین دید.

در رابطه با فعالیت زنان باید بگوییم زنان در کردستان نیز

همچون زنان در سراسر کشور از ابتدای سرکار آمدن حکومت اسلامی با نه بزرگ در مقابل آن ایستادند و در این راستا برای به‌دست‌آوردن مطالبات برحق خود سکوت نکردند. شرایط و موقعیت مبارزاتی در کردستان ایجاب کرده است که زنان همیشه در صف اول هر حرکت اعتراضی قرار گرفته و همراه با فعالین در جنبش‌های سرنگونی‌طلبانه نقش ایفا کنند.

می‌توان به نقش مادران و خانواده‌های دادخواه و فعالین زن در برگزاری این اعتصاب عمومی اشاره کرد. جنبش علیه اعدام در دو دهه اخیر در ایران شروع و با صدور احکام اعدام پخش‌شان و وریشه به اوج خود رسید و باعث موجی از اعتراض در جامعه شد. همچنین تشکل‌ها و فعالین با بیانیه‌های مختلف و خانواده‌های دادخواه با حضور بر مزار ابراهیم لطف‌اللهی در بیانیه‌هایی جداگانه اعلام کردند که دیگر نخواهند گذاشت اعدام دیگری صورت بگیرد و قبل از واقعه باید اعتراض کرد. با این فضای مبارزاتی دور روز بعد ما شاهد تحصن در مقابل استانداری کردستان در سنندج با حضور خانواده‌های دادخواه و فعالین زن و دیگر فعالین اجتماعی بودیم. حکومت تلاش زیادی نمود که با تهدید به مجازات کسبه و احضار و تهدید فعالین بتواند جلوی این اعتصاب را بگیرد اما مردم کردستان موفقیت دیگری در کارنامه خویش در مبارزه برای جلوگیری از اعدام را ثبت نمودند.

باید قبل از هر چیز دید که مردم در چه موقعیتی قرار گرفته‌اند. با ۴۵ سال مبارزه مداوم و هر ساله ما شاهد رشد و شکوفایی اشکال و روش‌های مبارزاتی مختلف بوده‌ایم. خانواده‌های دادخواه هر روز بر سر مزار عزیزانشان جمع می‌شوند و تجدید عهد می‌کنند که راهشان را ادامه خواهند داد و دادخواهی در کردستان جایگاه خاصی پیدا کرده است و دیگر حاضر نیستند عزیزان دیگری را از دست بدهند. همه می‌دانیم که حکومت آدمکش اسلامی با احکام اعدام و فشار بر مردم می‌خواهد از انقلاب زن زندگی آزادی انتقام بگیرد. امروز جامعه نسبت به ریشه‌های خشونت عمیقاً آگاه شده و دیگر در برابر اعدام، زندان و شکنجه سکوت نمی‌کند. قبل از اعتصاب عمومی خانواده‌های دادخواه بر سر مزار عزیزانشان بیانیه حمایت از پخش‌شان و وریشه و حمایت از دیگر زندانیانی که محکوم به اعدام هستند را خواندند و چند روز بعد جلوی استانداری در روز چهارشنبه ۲۶ دی دست به تحصن زدند و با این حرکت نشان دادند که جامعه آماده طغیان است. روز اعتصاب، مردم بی‌قرار و خوشحال یکبار دیگر "نه" خود را به جمهوری اسلامی اعلام کردند. در مدیای اجتماعی ما شاهد پیام‌های مردمی بودیم و با خوشحالی تمام فیلم می‌گرفتند و برایمان ارسال می‌کردند. می‌خواهم به حرکت یک مادر دادخواه اشاره کنم که برای همراهی بر سر مزار عزیزش رفت و برایش می‌گفت "امروز چقدر زیبا بود حرکت مردم که قبل از اعدام دست به اعتصاب زده‌اند دیگر نمی‌گذاریم فرزندانمان را از ما بگیرند". صحبت این

مادر دادخواه بهتر از هر چیزی روحیه مردم را منعکس می‌کند.

انترناسیونال: تأثیر این اعتصاب عمومی بر روحیه مردم کردستان را چگونه می‌بینید؟ اتحاد و مبارزه مشترک در خلق چنین اعتصابی چقدر حیاتی بود و فعالیت مشترک بین احزاب با گرایش‌های سیاسی چگونه تأمین شد؟



عبدل گلبریان: این اعتصاب

تأثیر بسیار بالایی بر روحیه مردم کردستان و حتی بر روحیه مردم در سراسر ایران گذاشت. اجازه بدهید که به گوشه‌ای از دلایل آن اشاره کنم. در تاریخ مبارزات مردم کردستان اعتصابات عمومی زیادی از همان اوایل به قدرت رسیدن حکومت اسلامی تا به امروز صورت گرفته است. از شروع انقلاب زن زندگی آزادی به این سو هم چند اعتصاب عمومی باشکوه و موفق برگزار شد. تمامی این اعتصابات در پاسخ به تعرضات حکومت انجام گرفتند که اغلب اعدام جوانان در کردستان بود. این بار اما اعتصاب ۳ بهمن متفاوت بود. اول این که در شرایطی صورت گرفت که اوضاع سیاسی پُر تحول و پُر از جنب‌وجوش اعتراضی و انقلابی در سراسر کشور و در کردستان را از سر می‌گذرانیم و رژیم اسلامی هم در اوج ضعف، درماندگی و شکست‌های پی‌درپی در منطقه و از هر سو مورد تعرض اعتراضات سراسری مردم قرار دارد. جنبه دوم و مهم‌ترین ویژگی این اعتصاب نسبت به مابقی اعتصابات گذشته این بود که احزاب و نیروهای سیاسی و مردم آمادگی برای دست‌زدن به این اعتصاب عمومی را داشتند و اعتصاب در حالی برگزار شد که حکومت حکم اعدام پخش‌شان عزیز یا وریشه مرادی را به اجرا درنیاورده بود. اعتصابات عمومی گذشته بعد از اجرای حکم اعدام محکومین به اعدام صورت می‌گرفت. این بار فراخوان احزاب و مشارکت مردم قبل از وقوع جنایت نسبت به پخش‌شان انجام شد و احزاب

خاکریز اعدام را هم باید فتح کنیم

از صفحه ۳

سیاسی و مردم دست بکار شدند. باتوجه به آنچه اشاره شد دست‌زدن به چنین اعتصابی اهمیت زیادی داشت و اعتصاب عمومی را وارد فاز دیگری کرد که از هر نظر حیاتی بود.

هنوز که اعتصاب شروع نشده بود وکیل پخشان عزیزی در صفحه ایکس خود نوشت از سوی نهاد قضایی اعلام شده است که اجرای حکم اعدام پخشان به تعویق افتاده است. اعلام این خبر از یک سو گویای ترس رژیم از انجام اعتصاب و شروع دور دیگری از حرکت‌های اعتراضی مردم در کردستان بود و از طرفی تلاشی بود که با این انتشار این خبر در روند اعتصاب خلل ایجاد کنند چرا که فکر می‌کرد می‌تواند مردم را از دست‌زدن به اعتصاب باز دارد اما نه تنها نتوانست این خلل را ایجاد کند بلکه اعتصاب قدرتمندی برگزار شد. مردم کردستان این دست‌ویازدن حکومت را ناشی از وحشت و هراس نهادهای رژیم ارزیابی کردند. از سوی دیگر اعلام این که "حکم به تعویق افتاده است" را مردم نشانه‌ای از قدرت خود می‌دیدند چرا که طی این سال‌ها ترفندهای دروغین رژیم را شناخته‌اند و در نتیجه محکم و استوار اعتصاب عمومی را با موفقیت به سرانجام رساندند. پیش‌دستی کردن در فراخوان اعتصاب و پاسخ بجای مردم در تدارک اعتصاب عمومی که بعد از هر جنایتی توسط رژیم صورت می‌گرفت اینجا پشت سر گذاشته شد. با این اعتصاب عمومی بعد از این دست‌زدن به اعتصاب عمومی در کردستان شکل تعرضی به خود می‌گیرد و صرفاً به موضوع صدور احکام اعدام هم خلاصه نخواهد شد. برای مثال می‌تواند فراخوان و اعتصاب عمومی برای آزادی زندانیان سیاسی و یا هر مسئله دیگری که زندگی مردم را دچار تباهی کرده است را شامل شود.

در رابطه با فراخوان و حرکت مشترک احزاب باید بگویم این اول بار نیست که احزاب با گرایش‌های سیاسی متفاوت فراخوان مشترک برای اعتصاب عمومی در کردستان می‌دهند. در جریان فراخوان برای اعتصابات گذشته نیز این همسویی بر بستر یک واقعه یا موضوعی معین اتفاق افتاده است. تماس و ارتباط احزاب و نیروهای سیاسی در کردستان به‌ویژه برای فراخوان به اعتصاب عمومی در کردستان پیشینه تاریخی دارد و این بار هم تماس، هم‌فکری و تشخیص اوضاع و شرایط سیاسی موجود فصل مشترک به توافق رسیدن برای فراخوان این اعتصاب عمومی در کردستان بود. مردم از این اقدام نیرو گرفتند، متحدتر و سازمان‌یافته‌تر ظاهر شدند، روحیه و انرژی بیشتری برای تعرضات بعدی علیه حاکمیت به دست آوردند و مهم‌تر اینکه شکست، عجز و درماندگی دستگاه‌های حکومتی را مشاهده کردند.

انترناسیونال: کلیپ بسیار تأثیرگذاری تهیه شده است که وسیعاً در مدیای اجتماعی و تلویزیون‌های ماهواره‌ای بازتاب یافته است. ویژگی این کلیپ و دلیل اثرگذاری آن چیست؟ لطفاً درباره تهیه و تبلیغ این کلیپ بیشتر برای ما توضیح بدهید.

ژینو ابراهیمی: این کلیپ به پیشنهاد کمیته کردستان تهیه شد. در جلسه‌ای که داشتیم پیشنهاد از طرف رفقا داده شد و من هم مسئول تهیه کلیپ و جمع‌آوری کلیپ‌ها شدم. تنها ۲۴ ساعت زمان داشتیم. پیام تبلیغ را در شورای کادرهای کمیته کردستان سی‌اوش مدرسی نوشت و از رفقا خواست که در این کلیپ برای دفاع و حمایت از اعتصابات شرکت کنند و سه سری کلیپ تهیه کردیم. سری دوم مشخصاً پیام‌هایی بود که از داخل کردستان برایمان ارسال کرده بودند و به‌صورت جداگانه تهیه کردیم و بازتاب خوبی در تلویزیون‌ها و مدیای اجتماعی داشت. اکثر گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی کلیپ‌های ما را پوشش داده بودند و بازدیدکننده زیادی

به دنبال داشت. پیام‌های از داخل کردستان و ایران احساس خوبی را برای ما و مردم کردستان به همراه داشت. ما نیز با تمام توان و انرژی این ویدئوها را برای ایران و به‌ویژه کردستان ارسال کردیم. ویژگی مهمی که این کلیپ‌ها داشتند این بود که حرکت ما قبل از اعتصاب بود تا مردم بیشتری تشویق شوند در این اعتصاب در شهرهای کردستان شرکت کنند. خوشبختانه این اعتصاب سراسری شهرهای کردستان با موفقیت همراه شد و باز هم پیروزی دیگری برای مردم در مقابل حکومت بود. جا دارد از عزیزی که در کردستان زندگی می‌کنند و با تمام موارد امنیتی و خطراتی که وجود داشت و در حمایت از اعتصاب، از خودشان برایمان کلیپ فرستادند قدردانی کنیم. یکی از کلیپ‌ها که خیلی تأثیرگذار بود مربوط به زنی است که گفت من به‌عنوان یک زن تابوشکن و علیه اعدام از اعتصاب عمومی در کردستان حمایت می‌کنم که مورد توجه بینندگان زیادی قرار گرفت.

انترناسیونال: در سطح سراسری این اعتصاب از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و برای فراتر رفتن از این حد که مشاهده کردیم چه قدم‌هایی دیگری باید برداشته شود؟

اصغر کریمی: ویژگی‌های اعتصاب را در پاسخ به سؤال قبل توضیح دادم اما در مورد قسمت دوم سؤالتان، اولین نکته این است که نباید بگذاریم این مومنتوم کم‌رنگ شود. فضای فعالی در جریان است. جمهوری اسلامی در اوج زبونی و بحران است و جامعه از همیشه هم‌بسته‌تر، متشکل‌تر و امیدوارتر. کارزارهای داخل و خارج کشور و طومارها را باید ادامه داد. تجمعات و تلاش‌های خارج کشور را باید برای نجات پخشان و وریشه و سایر احکام اعدام گسترده‌تر کرد، تلاش برای فشار دول غربی برای اعتراض به جمهوری اسلامی را بیشتر ادامه داد، باید تلاش کرد که این مسئله به صدر رسانه‌ها کشانده شود. احزاب دخیل در این اعتصاب نیز به دنبال یک اعتصاب موفق می‌توانند نقش مؤثرتری داشته باشند. حزب کمونیست کارگری به سهم خود تلاش می‌کند نگذارد این فضای پربار و فعال علیه اعدام کم‌رنگ شود. در داخل و خارج کشور ما در جهت تقویت کارزارها، طومارها و تجمعات خارج کشور و غیره بیشترین تلاش خودمان را خواهیم کرد.

انترناسیونال: برخورد جریان راست سلطنت‌طلب در رابطه با خطر اعدام پخشان و وریشه مشمژکننده است. این دشمنی سلطنت‌طلبان با پخشان عزیزی و وریشه مرادی ناشی از چیست؟

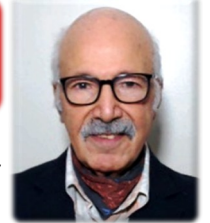
عبدل گلپریان: سلطنت‌طلبان در رابطه با صدور حکم اعدام برای پخشان عزیزی گوی سبقت از رژیم اسلامی ریوندند. ابتدا دستگاه اطلاعاتی رژیم اسلامی طبق معمول دست به ساختن سناریویی از فعالیت نظامی برای پخشان عزیزی زد. ویدئویی دست‌ساز و ناشیانه را سرهم‌بندی و در همه‌جا منتشر کردند. دنیا می‌داند که سناریو سازی‌های ساختگی و نخ‌نما شغل ۴۶ ساله دستگاه‌ها و نهادهای اطلاعاتی و سرکوب این حکومت بوده است. همین سناریوی ساخته شده حکومت به‌وفور توسط سلطنت‌طلبان و فراتر از تبلیغات مسموم‌کننده رژیم از طرف سلطنت‌طلبان در صفحات مدیای اجتماعی و شخصی خودشان پخش شده است. واقعاً می‌توان گفت در خدمت به قتل عمد حکومت اسلامی در کیس پخشان عزیزی سنگ تمام گذاشتند.

داستان این رفتار مشمژکننده تنها به این بر نمی‌گردد که سلطنت‌طلبان با اعدام و گرفتن جان انسان مشکلی ندارند. کارنامه حکومت پهلوی در اعدام مخالفین سیاسی تاریخ مختص به خود را دارد اما از منظر اینها هر کسی که در کردستان با فعالیت سیاسی، اجتماعی و سازمانی درگیر است جدایی طلب محسوب می‌شود. برای جماعت سلطنت‌طلب عرق میهن‌پرستی، خاک و ناسیونالیسم فارس یک ارزش بزرگ است و جان انسان ابداً ارزش ندارد. همان‌گونه که

حکومت اسلامی برای اسلام ناب محمدی

خاکریز اعدام را هم باید فتح کنیم
از صفحه ۴

ظریف حامل پیام حکومت در مانده در داووس
از صفحه نخست



حتی اگر دولت‌ها به آن لطف کنند و با آن کنار بیایند این حکومت دیگر نمی‌تواند در برابر مردم دوام بیاورد. این حکومت در هیچ عرصه‌ای اوضاعش ردیف نیست. اقتصادش از هم‌پاشیده است و حتی امکان تأمین گاز و برق و آب مردم را هم ندارد. حجاب و اسلامش در خیابان‌ها و فضای جامعه به فنا رفته است و زنان و دختران و پسران با از خودگذشتگی سنت‌هایش را زیر پا له می‌کنند. سنت‌های عهدعتیقی این حکومت از جداسازی جنسیتی و کل تحجر اسلامی در همه‌جا به سخره گرفته شده و زیر پا له شده است. جامعه فرسنگ‌ها از این سنت‌ها فاصله گرفته است. جنبش معیشت و زندگی هر روز با تجمعات و اعتراضات بازنشستگان و پرستاران و کارگران نفت و بخش‌های دیگر جریان دارد. سیاست اعدام و سرکوب حکومت نیز به ضد خود تبدیل شده و جنبش‌های گسترده ضد اعدام و ضد سرکوب هرچه گسترده‌تر در جامعه حتی در درون زندان‌ها جریان دارد.

در این شرایط است که حتی دولت‌های ممالشات گر نیز یکی بعد از دیگری به این نتیجه می‌رسند که دور این حکومت را باید خط کشید. یک فاکتور مهم قلدرمآبی حکومت طی سال‌های سال در منطقه سرپا نگه‌داشتن دیکتاتوری بشار اسد و یکه‌تازی حزب‌الله و حماس به‌عنوان بازوهای این حکومت بود. این دوره تمام شد. سرنوشت این نیروها اکنون به نقطه‌ضعف حکومت اسلامی تبدیل شده به‌نحوی که هم خامنه‌ای و هم ظریف می‌گویند ما نیروی نیابتی نداریم و کمکی به این نیروها نکرده‌ایم! چنین ادعاهای مسخره‌ای بیش از آنکه حاوی حقیقتی باشد، گویای فلاکت و ادبار بیش از حد جمهوری اسلامی است.

این اوضاع به ما چه می‌گوید؟ جمهوری اسلامی به طور واقعی دیگر به ته خط رسیده است. صفوفش آن‌چنان به‌هم‌ریخته است که خودی‌هایشان هم دارند سران ارشد حکومت را به تمسخر می‌گیرند. قانون حجاب و عفاف می‌آورند و بعد ناچار می‌شوند از زبان ظریف ادعا کنند که ما به زنان بی‌حجاب کاری نداریم! در "سطح بین‌المللی صلح‌طلب هستیم" و فضای جامعه باز است. میدان پیدا کردن پزشک‌یان و امثال ظریف حاصل این شرایط است. جناح حاکم جمهوری اسلامی تحت امر خامنه‌ای تصور می‌کرد با بازی با کارت نیروهای وسط‌باز و معامله گر شاید بتواند یک‌بار دیگر حکومت را از سرنگونی نجات دهند و برای جمهوری جنایت اسلامی کمی بیشتر وقت بخرند. اما آینده جامعه را نه دولت‌های خارجی بلکه مردم در داخل ایران تعیین می‌کنند. مردم تک‌تک این خیل کلاش و جنایت‌کار و مافیایی را کاملاً می‌شناسند و یک‌دوره به آنها فرصت بیشتری نخواهند داد. نمی‌توانند فرصت بدهند. مردم کاملاً این را لمس کرده‌اند که برای دستیابی به اولیه‌ترین شرایط زندگی انسانی باید این حکومت را با تمام جناح‌ها و دسته‌جاتش به زیر کشید و این مهم را دارند هر روز با اعتراضات و اعتصاب عمومی و تجمعات و بیانیه‌ها و شادی کردن و رقص و اعتراض عریان و هزار ابتکار دیگر به پیش می‌برند. دولت‌ها نیز ناچارند به این شرایط گردن بگذارند.

این روزها فضای جناح‌های حکومت اسلامی و گفته‌ها و ادعاهای دست‌اندرکاران روحیه‌باخته‌اش موضوع تمسخر و طعن مردم است. مردم با روحیه و امیدواری بسیار گسترده با شیوه‌ها و ابتکارات بسیار جالب و وسیع زیرآب حکومت را می‌زنند و به ریش حکومت و رئیس‌جمهور و دلقک‌هایش می‌خندند. جمهوری اسلامی از نظر مردم باید تماماً از صحنه جامعه جارو شود و بر ویرانه‌های آن جامعه‌ای آزاد، برابر، مرفه و سکولار برپا شود. اکثریت مردم امروز به این قناعت رسیده‌اند و بسیار امیدوار و متعرض‌اند و از این هدف یک‌دوره کوتاه نمی‌آیند.*

خود جنایت علیه انسان را در تاریخ خود تا به امروز به ثبت رسانده است، ناسیونالیسم عظمت‌طلب فارس نیز حاضر است تحت عنوان تمامیت ارضی همان کاری را علیه شهروندان انجام دهد که حکومت اسلامی برای اسلام انجام می‌دهد. این را حکومت سرنگون شده پهلوی در کارنامه‌اش به ثبت رسانده است.

از آنجاکه این دو مبارز زن همراه با سلطنت‌طلبان نیستند حتی حکم اعدام آنها نیز برای سلطنت‌طلب‌ها بی‌اهمیت است. در این مورد دشمنی خاصی با دیگر مبارزین همچون توماج صالحی و پرستو ابراهیمی و نرگس محمدی را نیز به نمایش گذاشتند.

انترناسیونال: تجربه خودتان از کار مشترک با احزاب دیگر در سازمان دادن این اعتصاب عمومی را با خوانندگان ما در میان بگذارید. چطور می‌توان فراتر رفت و این فعالیت مشترک حول چه مسائلی می‌تواند شکل بگیرد؟

نسان نودینیان: ما با احزاب سیاسی در کردستان مذاکره و مشورت می‌کنیم. با حزب دموکرات کردستان ایران و کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) در ارتباط با موقعیت سیاسی و مبارزاتی مردم در خیزش مردمی زن زندگی آزادی نشست‌هایی داشتیم. در ارتباط با اعتصابات سه سال گذشته با این احزاب در ارتباط بودیم و کار مشترک انجام دادیم. این مذاکرات همواره مثبت هستند.

در شرایط کنونی که جامعه و مردم در سطح سراسری در موقعیت مبارزاتی تعرضی و اتحاد علیه اعدام قرار گرفته است و فعالین جنبش علیه اعدام و کارزارهای نه به اعدام مورد حمایت مردم و اقشار مختلف اجتماعی قرار گرفته‌اند، اعتصاب موفق و متحدانه‌ای که برگزار شد، باعث تقویت فضای اعتراضی و همبستگی وسیع در میان اقشار مختلف جامعه شده است. باید به فکر تدارک اقدامات بعدی و تعرضی‌تر باشیم. به طور واقعی این نیروی اجتماعی و مبارزین جنبش علیه اعدام هستند که باید با متشکل شدن بیشتر پیشروهای تا کنونی را تثبیت کنند تا تجمع‌های مبارزاتی و اعتصابات بعدی قدرتمندتر شوند. اعتصاب عمومی که به فراخوان ده سازمان و حزب سیاسی در کردستان در روز سوم بهمن برگزار شد، توسط هزاران نفر از فعالین در کارزارهای نه به اعدام، فعالین کارگری و زنان، معلمان، فعالین اجتماعی و زیست‌محیطی، طیف وسیعی از هنرمندان، خواننده‌ها و فعالین تئاترهای خیابانی، نویسندگان و دانشجویان مورد حمایت قرار گرفت. این همبستگی با اعتصاب عمومی و مبارزه علیه اعدام به یک خواست فراگیر و متحدکننده مردم تبدیل شده است. این پیشروی که بر بستر دستاوردهای زن زندگی آزادی کسب شده را باید تقویت کرد.*



اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران زنده‌باد اعتصاب عمومی در کردستان زنده‌باد جنبش علیه اعدام

چهارشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۳ بار دیگر مردم مبارز شهرهای کردستان در پاسخ به فراخوان احزاب سیاسی دست به اعتصاب عمومی زدند تا عزم و اراده خود را علیه احکام اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی و علیه مجازات ضدانسانی اعدام به نمایش بگذارند. امروز شهرهای سنندج، بوکان، سقز، مهاباد، بانه، مریوان، دیواندره، کامیاران، ایلام، اسلام‌آباد غرب، قروه، حسن‌آباد سنندج و بخش‌هایی از کرمانشاه کسبه و بازارها تعطیل شد و بار دیگر مردم کردستان عزم خود را برای مقابله با آدمکشان اسلامی ابراز کردند. این اعتراضی است نه فقط به اعدام و ماشین آدمکشی. حکومت اسلامی بلکه اعتراضی است علیه کل بساط سرکوب و چپاول اسلامی، علیه ستم و سرکوب و فقر و تبعیضی. که جنایت‌کاران حاکم چند دهه است به مردم تحمیل کرده‌اند.

این اعتصاب در حالی صورت گرفت که جمهوری اسلامی تمام تلاشش را برای جلوگیری از آن به کار گرفت. در نامه‌ای به کسبه شهرهای مختلف آنها را تهدید به مجازات کرد و در شهرهای مختلف تعدادی از فعالین را تهدید یا احضار نمود و از اولین ساعات صبح چهارشنبه نیز در میادین و خیابان‌های شهرها نیروهای زیادی مستقر کرد تا مردم را مرعوب کند و جلو اعتصاب را بگیرد. علی‌رغم همه این تلاش‌ها اعتصاب موفق در سراسر کردستان شکل گرفت.

مردم کردستان سابقه‌ای درخشان از دست‌زدن به این شکل از مبارزه متحدانه و جمعی و قدرتمند دارند و این اعتصاب نیز در کارنامه درخشان آنها ثبت شد. اعتصابات سراسری در کردستان به فراخوان احزاب سیاسی و همراهی فعالین و مردم صورت گرفته و این نیز وجه مهم دیگری از توجه مردم به احزاب مخالف حکومت و همراهی با آنها و یک نقطه قوت قابل توجه برای دست‌زدن به حرکت‌های سراسری است.

مردم کردستان سابقه‌ای درخشان از دست‌زدن به این شکل از مبارزه متحدانه و جمعی و قدرتمند دارند و این اعتصاب نیز در کارنامه درخشان آنها ثبت شد. اعتصابات سراسری در کردستان به فراخوان احزاب سیاسی و همراهی فعالین و مردم صورت گرفته و این نیز وجه مهم دیگری از توجه مردم به احزاب مخالف حکومت و همراهی با آنها و یک نقطه قوت قابل توجه برای دست‌زدن به حرکت‌های سراسری است.

مردم کردستان سابقه‌ای درخشان از دست‌زدن به این شکل از مبارزه متحدانه و جمعی و قدرتمند دارند و این اعتصاب نیز در کارنامه درخشان آنها ثبت شد. اعتصابات سراسری در کردستان به فراخوان احزاب سیاسی و همراهی فعالین و مردم صورت گرفته و این نیز وجه مهم دیگری از توجه مردم به احزاب مخالف حکومت و همراهی با آنها و یک نقطه قوت قابل توجه برای دست‌زدن به حرکت‌های سراسری است.

چهارشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۳ بار دیگر مردم مبارز شهرهای کردستان در پاسخ به فراخوان احزاب سیاسی دست به اعتصاب عمومی زدند تا عزم و اراده خود را علیه احکام اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی و علیه مجازات ضدانسانی اعدام به نمایش بگذارند. امروز شهرهای سنندج، بوکان، سقز، مهاباد، بانه، مریوان، دیواندره، کامیاران، ایلام، اسلام‌آباد غرب، قروه، حسن‌آباد سنندج و بخش‌هایی از کرمانشاه کسبه و بازارها تعطیل شد و بار دیگر مردم کردستان عزم خود را برای مقابله با آدمکشان اسلامی ابراز کردند. این اعتراضی است نه فقط به اعدام و ماشین آدمکشی. حکومت اسلامی بلکه اعتراضی است علیه کل بساط سرکوب و چپاول اسلامی، علیه ستم و سرکوب و فقر و تبعیضی. که جنایت‌کاران حاکم چند دهه است به مردم تحمیل کرده‌اند.

این اعتصاب در حالی صورت گرفت که جمهوری اسلامی تمام تلاشش را برای جلوگیری از آن به کار گرفت. در نامه‌ای به کسبه شهرهای مختلف آنها را تهدید به مجازات کرد و در شهرهای مختلف تعدادی از فعالین را تهدید یا احضار نمود و از اولین ساعات صبح چهارشنبه نیز در میادین و خیابان‌های شهرها نیروهای زیادی مستقر کرد تا مردم را مرعوب کند و جلو اعتصاب را بگیرد. علی‌رغم همه این تلاش‌ها اعتصاب موفق در سراسر کردستان شکل گرفت.

مردم کردستان سابقه‌ای درخشان از دست‌زدن به این شکل از مبارزه متحدانه و جمعی و قدرتمند دارند و این اعتصاب نیز در کارنامه درخشان آنها ثبت شد. اعتصابات سراسری در کردستان به فراخوان احزاب سیاسی و همراهی فعالین و مردم صورت گرفته و این نیز وجه مهم دیگری از توجه مردم به احزاب مخالف حکومت و همراهی با آنها و یک نقطه قوت قابل توجه برای دست‌زدن به حرکت‌های سراسری است.

جمهوری اسلامی مفلوک‌تر و منزوی‌تر از هر زمان، و ناتوان از

زنده‌باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

دیگر نمی‌پذیریم که یک اقلیت مفت‌خور و بی‌منطق و بی‌خاصیت بر ما حکومت کند. در این جامعه دیگر جایی برای تحمیل دیکتاتوری و مفت‌خوری و اختلاس و فساد و حاکمیت قوانین مذهبی و اسلامی نیست. انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و تحزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک‌تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شؤونات اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم و کاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه‌وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

زنده‌باد انقلاب زن زندگی آزادی!
حزب کمونیست کارگری ایران

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ بهمن ۱۴۰۳، ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵

اعتصاب عمومی کردستان و بازتاب سراسری آن

گفت‌وگو با شهلا دانشفر



اعتصاب عمومی در کردستان از جوانب مختلفی قابل بررسی و تعمق است. در مصاحبه زیر با شهلا دانشفر به عنوان مسئول کمیته سازماندهی بیشتر سعی کردیم بر جنبه‌های عمومی و سراسری این اعتصاب متمرکز شویم.

انترناسیونال: همان‌طور که در جریان هستید روز سوم بهمن‌ماه اعتصاب موفق در کردستان به فراخوان تعدادی از احزاب اپوزیسیون از جمله حزب کمونیست کارگری و همین‌طور نهادهای مدنی و دادخواهان در کردستان، برگزار شد. لطفاً برای خوانندگان ما توضیح دهید که میزان حمایت و همراهی نهادها و فعالین در سایر نقاط از این اعتصاب چگونه بود و عکس‌العمل‌ها در سطح سراسری به این فراخوان و اعتصاب به چه شکل بود؟

شهلا دانشفر: اعتصاب عمومی در کردستان در سوم بهمن‌ماه در اعتراض به احکام اعدام و گسترش اعدام‌ها و مشخصاً در برابر خطر اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی خیزشی مردمی علیه حکومت سرکوب و اعدام بود.

اعتصاب عمومی کردستان اعتصابی موفق بود که دامنه‌اش به دوازده شهر کشیده شد. این اعتصاب پاسخ مهمی در جهت نفی عملی مجازات اعدام بود و راهکاری در مقابل کل جامعه قرار داد.

در شرایطی که جمهوری اسلامی با شتاب بخشیدن بر سرعت ماشین سرکوب و جنایتش و اعدام‌ها می‌کوشد جلوی سر بلند کردن قدرتمندتر انقلاب را بگیرد، پاسخ به فراخوان اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان یک اتفاق سیاسی مهم است و جنبش علیه اعدام‌ها را که کل جامعه در آن درگیر است گام مهمی به جلو برد.

اعتصاب عمومی در کردستان آن‌هم به دنبال تجمع اعتراضی باشکوه زنان و فعالین اجتماعی در شهر سنندج در بیست و ششم دی‌ماه در مقابل استانداری و نیز در متن فضای اعتراضی اجتماعی علیه اعدام‌ها که یکسری در زندان‌ها و در کف خیابان‌ها و سر دیگرش در اقصا نقاط جهان است و همه بخش‌های جامعه در آن درگیرند، بعدی فراکردستانی و سراسری به این حرکت مهم اعتراضی می‌داد. این اعتصاب بار دیگر جایگاه مبارزات مردمی در کردستان این‌کانون داغ انقلاب زن زندگی آزادی را با اعتراضات سراسری در سطح جامعه علیه بساط جهنمی جمهوری اسلامی به نمایش گذاشت. به این اعتبار این اعتصاب مهر انقلاب زن زندگی آزادی را بر خود داشت.

این چنین است که فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان به گفتمان وسیعی در مدیای اجتماعی تبدیل شد و حمایت‌های بسیاری از سوی بخش‌های دیگر جامعه را در پی داشت. این حمایت‌ها تصویری روشن از ابعاد اجتماعی اعتصاب عمومی در کردستان به دست می‌دهد. از جمله یک‌پایه مهم حمایت از اعتصاب عمومی در کردستان، کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام است که دامنه‌اش به ۳۴ زندان کشیده شده است. کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در بیانیه هفته ۵۲ خود می‌نویسند: ما به عنوان اعضای کارزار، ضمن قدردانی از حمایت‌های مردمی از کارزار، از اعتصاب عمومی علیه اعدام در روز چهارشنبه در شهرهای کردستان حمایت کرده و همه مردم را نیز به حمایت از آنها فرامی‌خوانیم."

در همین راستا جمعی از زندانیان بند زنان اوین اعلام کردند که هم‌زمان با

پنج‌شنبه و دومین هفته از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام و در حمایت از اعتصاب سراسری مردم کردستان و به نشانه محکوم کردن احکام اعدام صادر شده، سه‌شنبه دوم بهمن و چهارشنبه سوم بهمن در اعتصاب‌غذا خواهند بود.

همچنین شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی (ارکان ثالث) ضمن بازنشر بیانیه‌ای در همبستگی با سه‌شنبه‌های نه به اعدام که قبلاً همراه با ۹ تشکل دیگر داده بودند نوشتند: "ما کارگران ارکان ثالث نفت، که خود زیر فشار اخراج و زندان و سرکوب و بردگی مزدی در شرایط سخت کاری بیشترین درد و رنج و بی حقوقی را متحمل گردیده‌ایم، یکبار دیگر هم‌صدا با اعتراضات و اعتصاب عمومی این روزهای مردم کردستان در محکومیت حکم اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی و سایر انسان‌های عزیزی که جان ارزشمندشان زیر تیغ اعدام است و متحد با سایر جنبش‌های اعتراضی، یکبار دیگر با سه‌شنبه‌های علیه اعدام تجدید پیمان می‌نماییم."

ندای زنان ایران نیز در همین جهت نوشت: "به مردم کردستان که روز چهارشنبه سوم بهمن با اعلام اعتصاب عمومی به احکام اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی اعتراض کرده‌اند، درود می‌فرستیم."

همچنین گروه "دانشجویان پیشرو از ایران" حمایت خود را از فراخوان اعتصاب عمومی کردستان اعلام داشت.

گفتنی است که خبر مازنیار طاطایی وکیل پخشان عزیزی مبنی بر موافقت دیوان عالی کشور با درخواست توقف اجرای حکم پخشان عزیزی، نشانگر فشار اعتصاب عمومی کردستان و اعتراضات گسترده در سطح جامعه علیه اعدام‌ها و علیه خطر اجرای فوری اعدام پخشان و وریشه بود. در مدیای اجتماعی نیز همین بازتاب را داشت و در گروه‌های مختلف مبارزاتی در آن بر اینکه حکم اعدام پخشان هنوز لغو نشده و خطر اعدام او و دیگر کسانی که حکم اعدام گرفته‌اند را تهدید می‌کند، تأکید شده بود. بدین‌گونه در مدیای اجتماعی همراه با بازتاب اخبار اعتصاب عمومی در کردستان حمایت‌های مردمی را شاهد بودیم.

در خارج کشور نیز کارزار جهانی نه به اعدام و نهادهای مختلف مبارزاتی همچون کمیته بین‌المللی علیه اعدام، کمپین برای آزادی کارگران زندانی، کمیته آزادی زندانیان سیاسی، انقلاب زنانه، نه به تابو و بسیاری دیگر طی بیانیه‌های پرشوری از اعتصاب عمومی در کردستان پشتیبانی کرده و در همین راستا در کشورهای مختلفی آکسیونهای اعتراض برپا شد.

اینها همه گوشه‌هایی از بازتاب حمایت‌های مردمی از اعتصاب عمومی در کردستان است؛ بنابراین اعتصاب عمومی در کردستان و انعکاس اجتماعی آن و حمایت‌هایی که در پی داشت نشانگر قدرت‌گیری جنبش علیه اعدام در سطح سراسری است.

انترناسیونال: باتوجه‌به سابقه‌دار بودن چنین اعتصابات در کردستان، چگونه می‌توان این تجربه را به سایر نقاط ایران تسری بخشید؟

شهلا دانشفر: وقتی به ابعاد اجتماعی جنبش علیه اعدام نگاه می‌کنیم جنبشی که بخش‌های مختلف کارگری، اجتماعی در زندان و در بیرون از زندان را در بر می‌گیرد، جنبشی که صف متحد جامعه برای تداوم انقلاب زن زندگی آزادی را به نمایش می‌گذارد و ابعادش همانطور که اشاره کردم جهانی است، آن‌هم در فضای انقلابی جامعه که مردم در اشکال مختلفی از مبارزه،

فضای انفجاری جامعه



نسان نودینیان

می‌شود.

اعتراضات کارگران به‌ویژه در مراکز صنعتی به اشکال مختلف اعتصاب، راهپیمایی در کارخانه و مراکز تولید در شهرها در جریان است. حضور اعتراضی کارگران در شرایط کنونی بر افق و شیوه‌های مبارزه مردم و جامعه، مبارزات مؤثر زنان علیه تبعیض جنسی و حجاب و عفاف، جنبش علیه اعدام و تداوم اعتراضات پیگیرانه بازنشستگان تأثیرات قابل‌توجهی دارد. حضور فعال کارگران معترض علیه نابرابری، فقر و گرانی توقع جامعه از آنها را متعین‌تر از هر دوره‌ای کرده است. موقعیت کارگران و تبدیل شدنشان به مدافعان اصلی خواست‌های مردم علیه فقر و نابرابری و هدایت جامعه به سمت دگرگونی‌های پایه‌ای و اجتماعی مهمی است که در این مقطع شاهد آن هستیم. اعتراضات و اعتصابات کارگران در شرایط کنونی به امر رهبری و هدایت آنها در مقابل جمهوری تبهکار اسلامی سرمایه موضوعی تعیین‌کننده شده است. عکس‌العمل طبقاتی کارگران و هدایت جامعه توسط آنها در شرایط کنونی بیش از هر دوره‌ای در صحنه سیاسی جامعه ایران تبدیل به ضرورتی زنده شده است. در یک کلام؛ کارگران در شرایط کنونی در مقابل تصمیم به نمایندگی کردن افق و هژمونی مبارزات و هدایت اعتراضات فی‌الحال موجود و زنده مردم، قرار گرفته‌اند.

خشم جامعه بر بستر اعتراضات و اعتصابات و تجمعات کارگران و مردم علیه گرانی، بیکاری، فساد و حقوق‌های نجومی شعله‌ور شده است!

در اعتراضات آبان و دی‌ماه ۹۸ و خیزش مردمی ۱۴۰۱ زن، زندگی، آزادی کارگران و مردم یک فاز جلوتر از دی‌ماه ۹۶ اعتراضات و نارضایتی‌ها را تجربه کردند. شعار نه به گرانی و فساد، به شعار «نابود باد حکومت اسلامی» تبدیل شد. مردم در کف خیابان‌ها نه محکم به حکومت اسلامی را اعلام کردند. به مراکز اقتصادی و ستادهای قدرت نظامی حکومت اسلامی حمله کردند. بانک‌ها و تعدادی از پاسگاه‌های نظامی را به آتش کشیدند. مردم آشکارا فراخوان شرکت در تجمعات را می‌داند.

وحشت حکومت اسلامی از قیام مردم و کارگران به واقعیتی گرم و کوبنده تبدیل شده است. خشم و طغیان مردم در خیابان‌ها شعله‌ور می‌شود. محتمل‌ترین شرایط شورش توده‌ای و پیوستن کارگران مراکز تولیدی و دانشجویان به اعتراضات خیابانی و سراسری است.

حکومت اسلامی هم اکنون فشار اعتراضات مزدبگیران جامعه را به‌شدت بر پیکر خود احساس می‌کند.

دیربازود جدال سیاسی و اعتراضی. اجتماعی در ایران اوج تازه‌ای خواهد گرفت. کارگران و حزب کمونیست کارگری به‌عنوان مدافعین پیکر سوسیالیسم و ادامه‌دهنده مانیفست زن، زندگی، آزادی خود را برای زورآزمایی نهایی آماده می‌کنند. در ادامه و این بار در پرتو شرایط حاضر نگاهی دوباره می‌اندازیم به "مانیفست حزب کمونیست کارگری برای پیروزی انقلاب زن، زندگی، آزادی" سندی که به واسطه نکات و خواست‌های مطرح شده در آن همچنان و تا پیروزی انقلاب مردم می‌تواند و باید مورد رجوع قرار گیرد.

مانیفست حزب کمونیست کارگری برای پیروزی انقلاب زن، زندگی، آزادی

انقلاب زن، زندگی، آزادی انقلابی است
مدرن و پیشرو، چپ، آزادی‌خواهانه و

شرایط بسیار حساس و پر التهاب است. تردیدی وجود ندارد که حکومت و اقتصاد سرمایه‌داری (نظام فاسد، نظام دزد سالار، اختلاس‌گر، غارتگر و چپاولگر) در ایران دچار یک بحران عمیق است و جامعه ایران در آستانه تحولات سیاسی تعیین‌کننده‌ای قرار گرفته است. در این روزها صدای نارضایتی‌ها بلندتر و اعتراضات شعله‌ورتر شده است. مردم از دست بیکاری و گرانی و فقر به زمین و آسمان چنگ می‌اندازند. هر روز در مراکز تولیدی و در جامعه توسط بازنشستگان لشکری و کشوری اعتراضات ادامه دارد. ۱۲ تجمع اعتراضی فقط در روز (دوشنبه ۲۴ دی‌ماه ۱۴۰۳) به وقوع پیوست، صحبت از یک روز یا یک مورد نیست. در مدیا و رسانه‌ها صدای اعتراض و تنفر کارگران، بازنشستگان، پرستاران، معلمان، کسبه، جوانان، دست‌فروشان و کولبران و به‌طوریکه مردم از وضع موجود هر بیننده و شنونده‌ای را میخکوب می‌کند. سرعت انتقال نارضایتی‌ها، شعار و بنرهای کنکرت علیه جمهوری اسلامی و علیه نابرابری و ستم با استفاده از مدیای اجتماعی بسیار بالاتر رفته و به قدرت اعتراض و متکی شدن مردم معترض به تشکل و خودآگاهی افزوده است. مبارزه و اعتراض در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل به امری تعطیل‌ناپذیر شده است. میان مردم و حکومت شکاف عمیقی ایجاد شده، که جز با قیام و شورش و اعتراضات خیابانی جواب دیگری نمی‌تواند بگیرد! وحوش اسلامی با صدای اعتراضات رادیکال توده مردم بر خود لرزیده‌اند. واقعاً لژره بر اندامشان افتاده است.

خیزش مردمی زن، زندگی، آزادی که با قتل حکومتی مهسا امینی شعله‌ور شد و انقلاب زینا را رقم زد مهم‌ترین خیزش مردمی در طول عمر جمهوری اسلامی است. شعار و خواست‌های مبارزاتی زن، زندگی، آزادی به طور زنده در اعتراضات مردم جاری است. مبارزه بی‌وقفه زنان علیه تبعیض جنسی و حجاب و عفاف جلوه‌های موفقیت‌آمیز ادامه خواست‌های انقلاب زن، زندگی، آزادی و تحقق کرامت انسانی است. همبستگی انسانی در میان مردم از کردستان تا سیستان و بلوچستان و آذربایجان نیز جلوه دیگری از همبستگی میان مردم در سطح سراسری است.

کارزارهای وسیع فعالین علیه مجازات اعدام، گسترده شدن مبارزه برای لغو مجازات اعدام در میان بخش‌های مختلف جامعه و عکس‌العمل‌های بسیار قابل‌توجه علیه احکام اعدام، دستگیری‌ها و تهدیدها، در شرایط کنونی بی‌نظیر است. در سنجیدگی علی‌رغم فضای امنیتی که نیروهای سرکوبگر حکومتی ایجاد کرده بودند در روز چهارشنبه ۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۳ ده‌ها نفر از زنان مبارز و فعالین اجتماعی تجمع با شکوهی علیه مجازات شنیع اعدام و حکم اعدام پخش‌شان عزیز و وریشه مرادی برگزار کردند. اعتصاب موفقیت‌آمیز سوم بهمن ۱۴۰۳ در بیش از ده شهر در کردستان و بخش‌هایی از شهر کرمانشاه علیه مجازات اعدام، نمایی از اراده مردم و نارضایتی علیه احکام اعدام است که از چند ماه گذشته با سه‌شنبه‌های اعتراضی در زندان‌ها (سه‌شنبه‌های علیه اعدام) آغاز شده بود. اعتراضات گسترده در شهرها و در زندان‌ها و ده‌ها کشور در سطح بین‌المللی حلقه اتصال مبارزه جامعه‌ای آزادی‌خواه و انسان‌دوست با کسانی است که با دست‌بند و پابند در پشت میله‌های آهنی زندان تلاش‌های سخت برای لغو مجازات اعدام و نجات جان‌شان را شروع کرده‌اند. قدرت جامعه و جنبش علیه اعدام هر روز بیشتر از قبل و متشکل‌تر و تعیین‌یافته‌تر

عمیق. انقلابی علیه همه آنچه جمهوری اسلامی در ۴۴ سال گذشته با سرکوب و اعدام و زندان و شکنجه به مردم تحمیل کرده است. انقلابی که بر متن فضای رادیکال جامعه و بر شانه‌های دو خیزش عظیم توده‌ای در سال‌های ۹۶ و ۹۸ و با اتکا بر تجارب غنی مبارزاتی کارگران، زنان و دانشجویان و جوانان، معلمان، بازنشستگان، نویسندگان و هنرمندان، خانواده‌های دادخواه، وکلا و کادر درمان، فعالین سیاسی و فعالین جنبش‌های مختلف آزادی‌خواهانه و مردمی شکل گرفته و می‌رود تا طومار حکومت مرتجع اسلامی را در هم بپیچد.

این انقلابی تاریخی است برای کوتاه کردن دست مذهب و صنعت مذهب از زندگی مردم، پایان دادن به بی‌حقوقی و ستم و تبعیض به زنان، پایان دادن به سرکوب و دیکتاتوری و استثمار و فقر و نابرابری و به همه محرومیت‌های تاریخی اکثریت عظیم جامعه. انقلابی علیه حکومت‌های مافوق مردم و علیه بی‌اختیاری و بی‌حقوقی اکثریت عظیم جامعه. انقلاب علیه تمام آن ماشین جنایت و سرکوبی که طبقات حاکم نسل‌اندزین با تیغ و اسید و زندان و اعدام بر جامعه حاکم کرده‌اند.

انقلاب جاری از نظر آمال و ارزش‌ها و ایدئال‌هایش نه تنها با اسلام و اسلام سیاسی بلکه همچنین با جنبش ناسیونالیستی و ایدئولوژی و سیستم ارزشی ملی - میهنی مغایر است. آرمان و آمال انقلاب جاری رهایی انسان و انسانیت است و نه گذشته‌گرایی و تاریخ نیکان و مقدسات و تابوها و تعصبات مذهبی - قومی - ملی - میهنی که همواره ابزار سلطه و توجیه‌گر منافع طبقات حاکم بوده است.

انقلاب زن، زندگی، آزادی درعین حال انقلابی است علیه کل جنبش اسلام سیاسی و برای رهایی زنان و مردم منطقه از شر این جنبش ضد انسان و ضد زندگی. انقلابی که با پیروزی‌اش راه را برای پیروزی مدنیت و آزادی‌خواهی بر اسلام سیاسی و حکومت‌های ارتجاعی در منطقه هموار می‌کند.

برای پیشروی و پیروزی انقلاب، داشتن تصویر روشنی از سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و خصوصیات نظامی که باید جایگزین آن شود مطلقاً ضروری است. اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران خواهان حکومت و جامعه‌ای مدرن، متمدن، انسانی و بری از هر گونه تبعیض و نابرابری از جمله تبعیضات مذهبی و قومی و ملی و جنسیتی و طبقاتی هستند. تنها نظامی می‌تواند این آمال تاریخی اکثریت عظیم مردم را متحقق کند که مرکز و محور ارزش‌ها و سیاست‌ها و قوانینش انسان و انسانیت و ارزش‌های جهان‌شمول انسانی باشد.

هدف فوری انقلاب سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم شکستن ماشین سرکوب و ارگان‌ها و نهادها و قوانین آن است. سرنگونی حکومت باید چنان همه‌جانبه و ریشه‌ای باشد که مانع بازگشت و اعاده قدرت ارتجاع در اشکال دیگر شود و به دیکتاتوری، در هیچ هیئت و قالب دیگری، منجر نگردد. پیروزی نهائی انقلاب در گرو تحقق اهداف و خواست‌های آزادی‌خواهانه و برابری طلبانه و رفاهی مردم است. شعار زن، زندگی، آزادی نماد و بیانگر این اهداف و خواسته است.

حزب کمونیست کارگری اعلام می‌دارد پیروزی انقلاب، به معنی سرنگونی تمام‌وکمال جمهوری اسلامی و تحقق آرمان‌های انقلاب، مستلزم عملی شدن خواست‌ها و اهداف زیر است:

۱- انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاه‌ها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم

۲- انحلال فوری کلیه نهادها و نیروهای جاسوسی، امنیتی، سرکوبگر

مسلح و شبه مسلح حکومت.

۳- الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و تمام قوانین ضدانسانی جمهوری اسلامی.

۴- بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در انقلاب جاری و در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده‌اند. پیگرد بین‌المللی مقامات فراری حکومت.

۵- حسابرسی مالی از کلیه مقامات حکومت و وابستگان نشان و همچنین کلیه مؤسسات و بنیادهای مذهبی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی. مصادره اموالی که این مقامات و مؤسسات از راه دزدی و غارت اموال مردم تصاحب کرده‌اند، بازگرداندن اموال و دارایی‌های به سرقت رفته کشور که توسط سران و مقامات حکومتی به خارج کشور برده شده و صرف آن در خدمت رفاه همه افراد جامعه.

۶- ممنوعیت مجازات اعدام. اعدام قتل عمد دولتی است و مطلقاً در هیچ شرایط و تحت هیچ بهانه و برای هیچ جرمی نباید اعمال شود.

۷- آزادی فوری و بی‌قیدوشرط همه زندانیان سیاسی. پایان دادن به پدیده زندانی سیاسی و عقیدتی. هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین از جمله اعتراف اجباری مطلقاً ممنوع است.

۸- لغو حجاب و هر نوع پوشش اجباری مذهبی. ممنوعیت هر نوع جداسازی زنان و مردان در مؤسسات و مجامع و اجتماعات و معابر و وسائل نقلیه عمومی. ممنوعیت هر نوع جداسازی و محروم‌سازی افراد از محیط اجتماعی و امکان معاشرت با دیگران. آموزش و پرورش مختلط در تمام سطوح.

۹- برابری کامل و بی‌قیدوشرط زن و مرد در تمام حقوق و شئون اجتماعی، مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است.

۱۰- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی و از آموزش و پرورش. ممنوعیت تدریس دروس مذهبی، احکام مذهبی و یا تبیین مذهبی موضوعات در مدارس و مؤسسات آموزشی.

۱۱- لغو مذهب رسمی. آزادی کامل مذهب و بی‌مذهبی به‌عنوان عقیده و امر خصوصی افراد.

۱۲- ممنوعیت هر نوع تقویت مالی و مادی و معنوی مذهب و فعالیت‌ها و نهادها و فرقه‌های مذهبی توسط دولت و نهادهای دولتی.

۱۳- اعلام و تضمین آزادی بی‌قیدوشرط بیان و اندیشه، اعتصاب، اعتراض، تجمع، تشکل و تحزب. آزادی رسانه‌ها، آزادی استفاده از مدیای اجتماعی.

۱۴- به رسمیت‌شناسی بی‌قیدوشرط حق تشکیل سازمان‌های صنفی و مدنی، اتحادیه‌ها و شوراهای مستقل از دولت برای کارگران، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان، کارکنان ادارات و به‌طور کلی همه مردم.

۱۵- تأمین رفاه و حرمت و شادی کودکان. مصونیت کودکان و افراد زیر شانزده سال از هر نوع دست‌اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی. ممنوعیت حجاب کودکان. ممنوعیت ازدواج کودکان. ممنوعیت جلب افراد زیر شانزده سال به فرقه‌های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی. تضمین حق هر کودک به یک زندگی شاد، ایمن و خلاق. تضمین رفاه و سعادت هر کودک، مستقل از وضعیت خانوادگی و سطح درآمد خانواده.

۱۶- لغو تبعیض و ستم ملی، قومی و اثنیکی. به رسمیت‌شناسی حقوق برابر برای همه شهروندان در همه مناطق و استان‌های کشور.

۱۷- به رسمیت‌شناسی حق تحصیل و ادامه در صفحه ۱۰

اعتصاب عمومی کردستان و بازتاب سراسری آن

از صفحه ۷

فضای انفجاری جامعه

از صفحه ۹

ادامه انقلاب را فریاد می‌زنند. وجود جنبشی چنین قدرتمند نشان می‌دهد که تکثیر تجربیاتی چون اعتصاب عمومی در کردستان و تجمعی چون تجمع روز ۲۶ دی مردمی در سنندج در مقابل استانداری در دیگر شهرها و در سطح سراسری ممکن است. به‌ویژه اینکه اعتصاب عمومی در کردستان و تأثیر مستقیم آن بر جنبش علیه اعدام و بر فضای سیاسی جامعه راه را برای این کار هموارتر کرده است.

به عبارت روشن‌تر با این ابعاد از گسترش جنبش علیه اعدام در ایران و در سطح جهانی توازن قوا برای اعتراضاتی سراسری از جمله رفتن به سوی اعتصابات و اعتراضات سراسری علیه اعدام‌ها و بر سر معیشت فراهم‌تر شده است؛ بنابراین باید با بسیج و سازماندهی همه این نیروها و اتحاد عملی گسترده اکتیویست‌ها و فعالین اجتماعی در این راستا به استقبال برگزاری چنین تجمعات و اعتراضاتی برویم. این موضوع فوری است.

یک قدم مهم در این جهت ادامه حمایت از سه‌شنبه‌های نه به اعدام که سنگر مهمی در اعتراض علیه اعدام‌هاست، و گسترش دامنه این کارزار به دیگر زندان‌هاست.

خلاصه کلام اینکه موضوع بر سر نجات جان انسان‌ها و هموارکردن مسیر انقلاب برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی است. با تمام قوا برای آن گام برداریم!

حکم اعدام پخش‌شان عزیزی لغو نشده است. چند نفر دیگر در خطر اعدام فوری هستند و حدود شصت نفری هم حکم اعدام دارند. باید به نجات جان پخش‌شان عزیزی و وریشه مرادی شتافت و بر لغو تمامی احکام اعدام، آزادی تمامی زندانیان سیاسی و نفی عملی اعدام در سطح جامعه تأکید کنیم.

آخرین نکته من دستگیری‌هایی است که در جریان اعتصاب عمومی کردستان صورت گرفته است. هم‌زمان با اعتصاب کسبه و بازاریان در شهرهای مختلف استان کردستان هفت نفر به اسامی سهیلا مطاعی، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ در دهگلان و شش نفر در سنندج به نام‌های امجد گریاخیز، نعیم دوستی، محمد سیف‌پناهی، سینا رضایی، محمد اطلسی و امید محمدی، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

همراه با خانواده‌های این عزیزان در اعتراض به این دستگیری‌ها و برای آزادی این بازداشت‌شدگان تجمعات اعتراضی شکل دهیم. این هفت نفت به‌خاطر اعتراض علیه اعدام بازداشت شده‌اند و در ادامه کارزار جهانی نه به اعدام باید بر آزادی فوری و بدون قیدوشرط آنها تأکید کنیم.*

زنده باد

انقلاب زن، زندگی، آزادی

فعالیت ادبی و هنری و رسانه‌ای به زبان مادری و ایجاد امکانات لازم برای این امر.

۱۸- لغو کلیه تبعیضات و نابرابری‌های مذهبی و جنسیتی و حقوقی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی. باید همه مردم به‌عنوان انسان از حقوق و موقعیت و امکانات اقتصادی - اجتماعی کاملاً یکسانی برخوردار باشند.

۱۹- مقابله با آلودگی هوا و تخریب محیط‌زیست. این حق همه شهروندان و نسل‌های آتی است که از هوای پاک و سالم، آب پاک، مواد غذایی سالم و زیستن در یک طبیعت سالم و امن برخوردار باشند.

۲۰- برخورداری همگان از آموزش و پرورش و بهداشت و درمان رایگان.

۲۱- تأمین فوری مبرم‌ترین نیازهای رفاهی جامعه. تعیین حداقل دستمزد و افزایش دستمزد با دخالت مستقیم نمایندگان تشکلهای کارگری در مقیاس سراسری. بالارفتن اتوماتیک حداقل دستمزد به تناسب تورم. تأمین معیشت کلیه افرادی که فاقد درآمد کافی هستند.

۲۲- رفع هرگونه تبعیض علیه رنگین‌کمانی‌ها (جامعه LGBTQ+). ازدواج با هر گرایش جنسی. می‌توانند زندگی مشترک داشته باشند. ازدواج رنگین‌کمانی‌ها باید به رسمیت شناخته شود.

۲۳- آزادی همه شهروندان در مناسبات و روابط شخصی و خصوصی. به رسمیت‌شناسی ازدواج مدنی و

“ازدواج سفید”. کلیه افراد بزرگسال، اعم از زن و مرد با هر گرایش جنسی، در تصمیم‌گیری در مورد ازدواج و طلاق و زندگی مشترک با یکدیگر، و در روابط جنسی خود با سایر افراد بزرگسال کاملاً آزادند. روابط جنسی داوطلبانه افراد بزرگسال با هم، امر خصوصی آنهاست و هیچ‌کس و هیچ مقامی حق کنکاش و دخالت در آن و یا اعلان عمومی آن را ندارد.

۲۴- زدودن هر نوع رنگ مذهبی از ازدواج در اسناد و مراجع رسمی دولتی. اجرا یا عدم اجرای مراسم خاص، اعم از شرعی و عرفی، برای ازدواج نقشی در رسمیت آن و مقام آن در برابر قانون ندارد.

حزب کمونیست کارگری پیگیرانه و فعالانه برای تحقق اهداف فوق مبارزه می‌کند. حزب اعلام می‌دارد که پیروزی انقلاب و تحقق تمام‌وکمال شعار زن، زندگی، آزادی تنها با حاکمیت مستقیم شهروندان و لغو هرگونه حکومت مافوق مردم و با امحای استثمار و بردگی مزدی امکان‌پذیر است.

حزب برای برقراری جمهوری سوسیالیستی، یعنی نظام مبتنی بر اعمال اراده و دخالت مستقیم مستمر مردم متشکل در شوراهای سیاست و حاکمیت، و خلع‌ید سیاسی و اقتصادی از آیت‌الله‌های میلیاردی و کل طبقه استثمارگر حاکم مبارزه می‌کند.

جمهوری سوسیالیستی موردنظر ما، نظامی است با بالاترین سطح رفاه عمومی، بیشترین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و مدنی، عاری از هر نوع تبعیض و نابرابری، با مرزهای باز بروی دنیا و تنش‌زدایی و سیاست مسالمت‌آمیز با همه دولت‌ها در منطقه و در جهان، و مبتنی بر آخرین دستاوردهای علمی و فرهنگی و اجتماعی و فلسفی و هنری جامعه بشری که امروزه در غرب نمایندگی می‌شود.

ما همه مردم آزادی‌خواه و سرنگونی‌طلب و همه فعالین و نیروهای انقلابی که پرچم زن، زندگی، آزادی را به اهتزاز درآورده‌اند به مبارزه برای اهداف فوق فرامی‌خوانیم.

۲۶ دی ۱۴۰۱، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳

ظریف نماد وقاحت و ذلالت جمهوری اسلامی در داووس

مهران محبی

محمدجواد ظریف مشاور ارشد پزشک‌یان در امور راهبردی با حضور در مجمع جهانی داووس که برگزاری آن مقارن با تحلیف

ترامپ بود، باز هم به چاپلوسی و این بار برای جلب توجه و رضایت غربی‌ها تا حد شلیک به خودی‌های حکومتی در برابر خواست تهدیدآمیز مقامات غربی علیه برنامه هسته‌ای و ناآرام‌سازی منطقه‌ای جمهوری اسلامی متوسل شد.

واکنش تا این حد رقت‌بار ظریف، امری لازم برای نظام ولی‌بی‌حاصل بود. اوضاع به‌هم‌ریخته جمهوری اسلامی دیگر توجیهی برای شنیدن دروغ‌های تکراری و مماشات کردن‌های گذشته برای دولت‌های غربی در رابطه با موضوعات هسته‌ای و منطقه‌ای باقی نگذاشته است. در همین مجمع "آنتونیو گوتیش" با تأکید و صراحتاً از جمهوری اسلامی می‌خواهد تا اولین قدم را بردارد و با تحکم می‌گوید: "این برای جمهوری اسلامی بسیار مهم است که اهمیت این گام را برای صلح و ثبات در منطقه درک کند... امیدوارم حکومت ایران بفهمد و یک‌بار و برای همیشه روشن کند که به دنبال سلاح هسته‌ای نیست".

پاسخ ظریف نیز چیزی غیر از تکرار دروغ همیشگی و حالا بی‌خریدار سران جمهوری اسلامی و چاپلوسی از ترامپ نبود که می‌گوید: "ما به دنبال سلاح هسته‌ای نبوده و نیستیم" و سپس ابراز امیدواری می‌کند که ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش جدی‌تر، متمرکزتر و واقع‌بین‌تر باشد!

با این حال که ظریف در یک مجمع بین‌المللی به طور بی‌سابقه ذلت و خواری را بر خود هموار می‌کند تا شاید غربی‌ها و خصوصاً ترامپ را در ازای هر امتیازی راضی به دست نگه‌داشتن از اعمال فشار حداکثری علیه حکومتش کند، ترامپ یک روز بعد از این صحبت‌های ظریف باز هم پایش را در یک کفش کرد و گفت که امیدوار است جمهوری اسلامی دست به معامله (پذیرش همه خواست‌های ترامپ در عرصه اتمی و منطقه‌ای) بزند، و اگر چنین نکنند هم مسئله‌ای نخواهد بود! یعنی حرف‌های ظریف هیچ است و جمهوری اسلامی اگر به خواست‌های او تن ندهد، نه تنها اعمال فشارهای حداکثری از طریق تحریم، بلکه حمله نظامی به مراکز هسته‌ای‌اش هم در انتظارش خواهد بود.

مخمصه ظریف در این سفر خارجی فقط محدود به داخل مجمع ناماند. در حاشیه مجمع، "فرید زکریا" مجری و مفسر شبکه CNN نیز ظریف را به مصاحبه کشید و در رابطه با حقوق زنان در ایران و موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با جمهوری اسلامی از او پرسید. مشاور ارشد پزشک‌یان که به ماله‌کش اعظم رژیم معروف است در پاسخ به سؤال مجری در زمینه حقوق زنان در ایران، مدعی تحقق مطالبه آزادی پوشش زنان بر مبنای وعده‌ای که پزشک‌یان داده بود، شد و بی‌شرمانه شکست کلیت جمهوری اسلامی از زنان و انقلاب زنانه برای پائین کشیدن جمهوری اسلامی با همه جوانب ضدانسانی‌اش را در قاپی وارونه، به دستاوردی برای دولت پزشک‌یان تعبیر کرد. او ادعا کرد که دولت تصمیم گرفته تا زنان را تحت فشار نگذارد و پزشک‌یان به وعده خود در این باره عمل کرده است. ظریف ادعای دروغین و شرم‌آورش در برابر مجری CNN را هم این گونه "مستدل" کرد: "اگر سری به خیابان‌های ایران بزنید می‌بینید که برخی در خیابان‌ها برخلاف قانون، حجاب را رعایت نمی‌کنند... چهار زن محجبه

در کابینه دولت که انتخاب کرده‌اند و باور به قانون دارند، حجاب را رعایت می‌کنند" و دست آخر هم به این دست آورد دولت و همچنین خودش که در تشکیل کابینه دخیل بوده افتخار کرد.

در بخش دیگر این مصاحبه که موضوعات دیگر سیاست‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی حکومت مورد سؤال مجری شبکه بود، ظریف باز هم هنر تردستی و شعبده‌بازی را بکار گرفت و چندصدایی و دیدگاه‌های مختلف (باندهای حکومتی) را که امکان سرکوب و خفه کردن مطلق یکدیگر را ندارند، به وجود آزادی بیان دیدگاه‌های اجتماعی در ایران تعمیم داد. او مدعی شد که دیگران (باندهای تندرو حکومت) صداهای مخالف را خفه کردند ولی باند اصلاح طلب صداهای مخالف را خفه نکرد. ادعا کرد که سیاست باز است و صدای مخالفان هم شنیده می‌شود. به‌زعم ظریف رقابت برای کسب جایگاه ریاست‌جمهوری سخت ولی یک رقابت و یک انتخاب واقعی بود و سرانجام برای ترغیب غرب به استفاده از این به اصطلاح موقعیت مهیا شده در حاکمیت جمهوری اسلامی برای انجام مذاکرات که ممکن است از دست برود، "تیری" به جلیلی شلیک کرد و گفت: "اگر امروز به جای پزشک‌یان، جلیلی بود ممکن بود یک جنگ در منطقه شکل بگیرد".

به این ترتیب ظریف به نمایندگی از حکومتش درجه بیشتری از ذلالت در یک مجمع جهانی را به نمایش گذاشت. اما جدا از نمایش درماندگی‌های رژیم به واسطه مهره‌هایش در مجامع بین‌المللی - که متأثر از ۴۵ سال مبارزات اجتماعی است و چنین موقعیت و سیمایی از جمهوری اسلامی، خود قوت دهنده و انگیزه دهنده به ادامه این مبارزات تا سرنگونی حکومت است - همین که هر گاه هر یک از مهره‌ها و سرسپردگان جمهوری اسلامی برای سفیدشویی‌هایی که در شرایط جدید توأم با التماس و گدایی از دولت‌های غربی به اجلاس، مجامع و نشست‌های بین‌المللی می‌روند و به نوعی شکار رسانه‌ای می‌شوند تا در رابطه با اوضاع سیاسی و اجتماعی‌ای که رژیم را زیر فشار گذاشته و اخبارش هر روزه در سراسر جهان می‌پیچد، بازخواست و مورد سؤال واقع شوند، برای ما مردم ۹۹ درصدی جامعه اهمیت دارد.

ما مردم، اهمیت این بازخواست‌ها و پرسشگری‌ها را - هر چند از جنس رسانه‌های کاسب کارانه خبری هستند - در این می‌بینیم که امروز بعد از ۴۵ سال از مبارزات خود علیه جمهوری اسلامی قدرتمان به حدی رسیده و صدایمان به حدی بلند شده است که دیگر برای دولت‌ها و رسانه‌هایشان که مدام با جمهوری اسلامی مماشات می‌کردند و جنایات و سرکوبگری‌هایش در داخل را نادیده می‌گرفتند، ممکن نیست به روال گذشته ادامه دهند.

ما چنان جمهوری اسلامی را به‌زانو درآورده‌ایم که سرانش در خارج از کشور دیگر توان و جرئت انکار پیشروی‌های جنبش‌های اعتراضی و به‌طور کلی قدرت‌گیری انقلاب "زن، زندگی، آزادی" را ندارند، و ناچارند برای کاهش اهمیت و تأثیرات پیشروی‌های مردم در دلیل و ناتوان کردن رژیم، به وارونه‌گویی و شعبده‌بازی متوسل می‌شوند.

پایان برای جمهوری اسلامی و آغاز برای بنانهان دنیایی آزاد و برابر نزدیک است.*

اطلاعه‌های هفته اخیر

فراخوان به مردم آزاده کردستان

چهارشنبه سوم بهمن اعتصاب عمومی
در سراسر کردستان

مردم آزاده و مبارز کردستان

ما هم‌صدا با سایر جریان‌های سیاسی در کردستان، همه شما مردم کردستان، کارگران و معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان، پرستاران و کارکنان ادارات، مغازه‌داران و رانندگان حمل‌ونقل را فرامی‌خوانیم تا روز چهارشنبه ۳ بهمن در اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی و علیه سایر احکام اعدام، کار و محل تحصیل را تعطیل کنید و متحد و یکپارچه در سراسر کردستان دست به اعتصاب عمومی بزنید.

در هفته‌های گذشته تحرک گسترده و چشمگیری در کردستان و در سراسر کشور علیه احکام اعدام شکل گرفته است. از جمله روز چهارشنبه ۲۶ دی‌ماه تجمع مهمی در مقابل استانداری کردستان در سنندج علیه حکم اعدام پخشان و وریشه و علیه مجازات اعدام برپا شد، بسیاری از خانواده‌های دادخواه نیز در تجمعات خود، خواهان لغو حکم اعدام پخشان و وریشه و سایر احکام اعدام شده‌اند. طوماری با امضای نزدیک به ۴۵۰۰ نفر از دادخواهان، فعالین حقوق زن، وکلا، هنرمندان، فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، شعرا، آسیب‌دیدگان چشمی، فعالین حقوق کودک و طیف‌های دیگری از جامعه علیه حکم اعدام پخشان منتشر شده است. بیانیه‌ها و طومارهای مشترک دیگری از جمله توسط فعالین جنبش زنان و حامیان انقلاب زن زندگی آزادی و نیز بیانیه‌ای توسط دانشجویان دانشگاه‌ها منتشر شده که حکم اعدام پخشان و سایر احکام اعدام را محکوم کرده و خواهان لغو این احکام شده‌اند. دیوارنویسی‌های بسیار وسیعی نیز در تعدادی از شهرها علیه این احکام اعدام انجام شده است. اعتصاب عمومی و سراسری در کردستان نیز گام بزرگ دیگری در ادامه این تحرکات و پاسخ محکمی به حکومت اعدام اسلامی است.

مردم کردستان تجارب درخشان و موفق در سازماندهی اعتصابات عمومی داشته‌اند و این بار نیز با یک اعتصاب شکوهمند مشت محکمی به پوزه حاکمان تبهکار اسلامی خواهیم کوبید. به‌ویژه در سال‌های گذشته فعالین بسیار زیاد و بانفوذی از دادخواهان تا دانشجویان، از فعالین حقوق زن تا فعالین متنوع دیگری پا به میدان مبارزه پا گذاشته‌اند و همه آنها می‌توانند در تشویق دیگران به شرکت در اعتصاب و سازماندهی اعتصاب نقش مؤثر و مهمی ایفا کنند. حکم اعدام پخشان و وریشه باید فوراً لغو شود. پخشان و وریشه باید فوراً آزاد شوند. سایر احکام اعدام و مجازات ضدانسانی اعدام باید برچیده شود.

ما مردم آزاده در سراسر کشور را فرامی‌خوانیم که به هر شکل که می‌توانند از اعتصاب عمومی مردم کردستان حمایت کنند و خواهان لغو کلیه احکام اعدام شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ دی ۱۴۰۳، ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵

اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی، فولاد،
کارگران چوکا، رانندگان، تاکرداران و اخباری دیگر

بازنشستگان تأمین اجتماعی:

امروز سی‌ام دی‌ماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، کرمانشاه، اهواز و تهران تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان خود شدند.

در کرمانشاه بازنشستگان شعار می‌دادند: "آموزش رایگان حق مسلم ماست"، "غارت جیب ملت با شعار عدالت"، "جان برود تن برود آزادی از بین نرود"، "جنگ‌افروزی کافیه سفره ما خالیه"، "معیشت و درمان، نابودتر از هر زمان"، "سگ هار تورم افتاده به جان مردم"، "ارزش پول ملی، رفته فنا به کلی"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "مخابرات، فولادی اتحاد اتحاد". در این تجمع بنرهای بازنشستگان با مضامینی چون "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "لشکری، کشوری، تأمین اجتماعی اتحاد اتحاد"، "درمان رایگان"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد" قابل توجه بودند.

در اهواز بازنشستگان مقابل تأمین اجتماعی تجمع کرده و علیه حاکمین و مسئولین غارتگر شعار می‌دادند: نه مجلس نه دولت، نیستند به فکر ملت"، "تأمین رو غارت کردند، ما رو بیچاره کردند"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"، "می‌جنگیم، می‌میریم، حقمون رو می‌گیریم"، "وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه"، "روسری را رها کن، فکری به حال ما کن"، "تأمین اجتماعی از انحصار دولت، آزاد باید گردد"، "هم مجلس هم دولت، ظلم میکنن به ملت"، "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت"، "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون"، "صندوق پر درآمد، چه بر سر تو آمد؟".

در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه و شوش و هفت‌تپه گردآمده بودند و شعار می‌دادند: "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "ما بازنشستگانیم خواهان حقمانیم"، "تورم اسف‌بار حاکم شده تو بازار"، و "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم".

بازنشستگان فولاد:

علاوه بر بازنشستگان تأمین اجتماعی بازنشستگان فولاد و معدن در اصفهان و اهواز و معدن کرمان نیز تجمع داشتند.

در اصفهان جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان گرد آمدند و راهپیمایی با شکوهی داشتند. بازنشستگان شعار می‌دادند: "نگید بودجه نداریم، از این دروغ بیزاریم"، "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "وعده دیدار ما، دو بهمن تو تهران"، "اجرای همسان‌سازی، بدون حقه‌بازی"، "مشکل بازنشسته، تا کی می‌خواد حل بشه".

در اهواز نیز بازنشستگان فولاد تا استانداری و فرمانداری راهپیمایی کرده و با فریاد "اگر عدالتی بود، فولادی اینجا نبود" صحنه با شکوهی از اعتراض را شکل دادند. تجمع بازنشستگان زغال‌سنگ کرمان در مقابل ساختمان امور بازنشستگی منطقه کرمان برگزار شد. و این بازنشستگان خواهان اجرای کامل و درست همسان‌سازی سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۳ و حل مشکلات بیمه و درمان خود هستند.

اعتراض به چپاول و فساد و سرکوب دستگاه حاکم، اعتراض به وضعیت فقر و گرانی و بی‌تأمینی و اعدام، موضوعات مشترک اعتراضات بازنشستگان و کل جامعه است. شعارهای اعتراضی آنها نیز در همین راستاست. همسان‌سازی حقوقها و افزایش آن به بالای رقم سبد

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

معیشتی و کاری خود بار دیگر تجمع کردند. همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای رقم ۴۵ میلیونی نرخ سبد معیشتی، درمان رایگان و پایان دادن به اختلاسها و سرکوبگریها موضوعات اعتراضات بازنشستگان در سطح سراسری است.

بازنشستگان فروشگاه رفاه

بعلاوه در این روز در تهران بازنشستگان فروشگاه رفاه در اعتراض به پرداخت نشدن حق سنوات خود تجمع داشتند. به گفته معترضین باید سالی یک ماه بابت سنوات آنها محاسبه و پرداخت شود. اما هنوز پولی به آنها پرداخت نشده است.

آتش نشانان کرج

در این روز همچنین آتش نشانان کرج در اعتراض به سطح نازل حقوقها و کاهش آن دست به تجمع زدند. طبق گزارشات هم اکنون بسیاری از پرسنل شهرداری کرج با این مشکل روبهرو هستند و این خود باعث بالاگرفتن زمزمه های اعتراض شده است.

کارکنان مخابرات آذربایجان

اعتصاب کارکنان شرکتی مخابرات آذربایجان شرقی در اعتراض به پی پاسخ ماندن مطالبات خود و سطح نازل حقوقهایشان در اول بهمن خبر دیگر امروز است. عدم دریافت سنوات و مشکلات مربوط به هزینه های درمان از جمله موارد مورد اعتراض این کارگران است و با گذشت ۵ ماه بلا تکلیفی و عدم دریافت پاسخی از سوی مدیریت شرکت نسبت به مطالبات خود، در این روز تجمع کرده و پیگیر خواست هایشان شدند.

کارگران ایران خودرو تبریز

همچنین در روز سی دی کارگران کارخانه ایران خودرو در تبریز با خواست افزایش دستمزد و همسان سازی حقوقها با کارگران شرکت ایران خودرو در تهران دست به اعتصاب زدند.

کارگران نفت

در این روز در نفت نیز کارگران داربست بند، قالب بند، آرماتوربند و ماشین آلات شرکت سازه پاد تهران در پتروشیمی آریا ساسول در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد خود از ماه هشت تا کنون و خلف وعده دست به اعتصاب زدند. زیر فشار اعتراض کارگران مدیریت قول پرداخت یک ماه حقوق را به آن داده است. اما کارگران اعلام کرده اند که اگر دستمزدهای معوقه آنها به طور کامل پرداخت نشود دست به اعتصاب مجدد و گسترده تری خواهند زد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ دی ۱۴۰۳، ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵

به نمایش توهین و تحقیر شهروندان توسط مزدوران حکومت در بوکان اعتراض کنیم

روز شنبه ۲۹ دی ۱۴۰۳، مأموران نقابدار حکومت اسلامی در بوکان ۳ جوان را با دستبند و به اتهام "ایجاد مزاحمت برای مردم" سوار بر یک وانت کرده و همزمان با پس گردنی توسط مأموران، آنان را در سطح شهر گرداندند و آنها را وادار کردند که علیه خود ناسزا بگویند.

این اولین بار نیست که نهادها و مأموران سرکوبگر جمهوری اسلامی این گونه و با فرهنگ لمپنیسم اسلامی خود اقدام به تحقیر و توهین به حرمت و کرامت انسانی شهروندان در جامعه می کنند. این سه جوان هر جرم احتمالی نیز که مرتکب شده باشند شایسته چنین تحقیر و شکنجه ای نیستند. این حرکت شنیع و ضد انسانی نیروی سرکوب حکومت یادآور گرداندن ۳ نفر در سطح شهر میوان به تاریخ ۲۶ فروردین ۱۳۹۲ است که نیروهای انتظامی و اطلاعاتی رژیم اسلامی در شهر میوان آنان را تحت

معیشت که اکنون از مرز ۴۵ میلیون تومان نیز عبور کرده، درمان رایگان و پرداخت معوقات ۲۵ درصد متناسب سازی باقی مانده از سال ۹۹ و اجرای ماده ۹۶ و ۴۱ قانون کار از جمله خواست های فوری بازنشستگان است. بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه هستند و از مبارزاتشان باید وسیع حمایت کرد.

رانندگان:

علاوه بر بازنشستگان اعتراض در میان بخش های مختلف کارگری گسترده است. امروز سی ام دی ماه رانندگان ماشین آلات سنگین جاده ای در مرز پرویزخان نیز در اعتراض به جریمه های سنگین و قیمت ارزان حمل و نقل و بدتر شدن وضع معیشتی خود برای دومین روز دست به اعتصاب زده و اقدام به مسدود کردن جاده و جلوگیری از تردد تانکرهای حامل سوخت کردند.

اپراتورهای پست های فشارقوی:

در این روز همچنین اپراتورهای پست های فشارقوی استان فارس در اعتراض به مشکلات معیشتی و کاری از جمله تبعیض فاحش و چند برابری حقوق و مزایا با تبدیل وضعیت شده ها بار دیگر دست به تجمع زدند. به گفته معترضین بعد از تصویب و اجرای طرح طبقه بندی، معوقات ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ آنها پرداخت نشد و به بهانه قیاس با حقوق کارمندان، کسورات در فیش های حقوقی اپراتورها اعمال می شود. همچنین پاداش پایان سال آنها نیز تحت عنوان اینکه آنها کارگر هستند و عیدی بالایی می گیرند، خلاف توافق تانیر و وزارت نیرو به آنها پرداخت نشده است.

تانکداران:

- در روز گذشته نیز تانکداران در مرز قصر شیرین و باشماق در میوان، در اعتراض به قیمت پایین کرایه و جریمه بالای گازوئیل و مشکلات معیشتی خود دست به اعتصاب و تجمع زدند.

کارگران چوکا:

در این روز همچنین کارگران کارخانه چوکا (صنایع چوب و کاغذ ایران) در رضوان شهر گیلان برای دومین بار در اعتراض به تأخیر در پرداخت حقوق و وضع بد معیشتی و کاری خود در برابر کارخانه تجمع کردند. تجمع قبلی آنها در بیست و سوم دی ماه برگزار شد.

گسترده گری اعتراضات، تجمعات، اعتصابات نشانگر خشم جامعه از کل اوضاع است و فضای جامعه به سمت تجمعات و اعتصابات سراسری می رود. اتحاد فعالین و اکتیویست های کارگری و اجتماعی نقش تعیین کننده ای در شکل گیری اتحادی مبارزاتی سراسری کارگری و ابراز وجود قدرتمند کارگری در شکل تجمعات و اعتصابات فراگیر است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ دی ۱۴۰۳، ۱۹ ژانویه ۲۰۲۵

اعتراضات بازنشستگان فولاد، زغال سنگ، معدن؛ آتش نشانان، و اخباری دیگر

بازنشستگان فولاد

امروز دوم بهمن جمعیت بزرگی از بازنشستگان فولاد بنا بر فراخوان قبلی در اعتراض به وضع بد معیشتی و پی پاسخ ماندن مطالبات خود در تهران در مقابل وزارت کار تجمع کردند. این بازنشستگان از شهرهای مختلف به تهران آمده بودند و زنان بسیاری در تجمع شرکت داشتند. تجمع کنندگان شعار می دادند "وزیر تعاون خجالت، خجالت"، "صنعتگران دیروز، آوارگان امروز".

بازنشستگان زغال سنگ

در این روز در کرمان نیز بازنشستگان زغال سنگ در اعتراض به مشکلات

اقدامات سرکوبگرانه حکومت را خنثی کنیم.

از مردم سنندج و همین‌طور شهرهای دیگر می‌خواهیم در مقابل هر نوع سرکوبگری متحدانه بایستند. از تشکل‌های کارگری، از دانشجویان، فعالین حقوق زن و همه مردم آزاده در کردستان و در سراسر کشور می‌خواهیم ضمن حمایت از اعتصاب موفقیت‌آمیز مردم کردستان، هر نوع تهدید و اذیت و آزار مردم کردستان را محکوم کنند و همچنان با تمام قوا برای لغو احکام اعدام پخش‌شان عزیز و وریشه مرادی و لغو همه احکام دیگر محکومین به اعدام به تلاش خود ادامه دهند. پخش‌شان و وریشه و کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. حکومت مستأصل اسلامی باید بداند که این جنبش سر باز ایستادن ندارد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۴ بهمن ۱۴۰۳، ۲۳ ژانویه ۲۰۲۵

خشم و اعتراض مردم بوکان علیه تجاوز به کودک

روز جمعه ۵ بهمن ۱۴۰۳ صدها نفر از مردم بوکان خشمگین از تجاوز به یک کودک هفت‌ساله که به مرگ او منجر شد به خیابان ریختند تا خشم و نفرت خود را علیه این جنایت بیان کنند. نیان چلیپانی، کودکی ۷ساله بر اثر تجاوز جنسی و آزار فیزیکی در ۲۷ دی‌ماه ۱۴۰۳ به بیمارستان انتقال داده‌شده بود اما متأسفانه یک روز بعد بر اثر جراحات وارده جان باخت. سه نفر به اتهام دست‌داشتن در این جنایت (نامادری، پدر و شخص دیگری) دستگیر شده‌اند. در تجمع روز جمعه ۵ بهمن مردم بوکان که برای پایان دادن به خشونت علیه زنان و کودکان برگزار شد، فرماندار این شهر خطاب به جمعیت حاضر اعلام کرد که به‌زودی عاملین این جنایت را اعدام یا سنگسار خواهیم کرد.

مردم مبارز، آزاده و شرافتمند بوکان!

همه شما به این امر واقف هستید که این اعمال شنیع، خشونت و تجاوز علیه کودکان در طول حاکمیت ننگین رژیم اسلامی مدام افزایش یافته است. از قوانین اسلامی و آیات و احادیث کثیفی که توسط آیت‌الله‌ها و رسانه‌های حکومتی تبلیغ می‌شود تا فتوای خمینی مبنی بر رابطه جنسی با کودک شیرخواره و از بی‌حقوقی مطلق کودکان در حکومت و قوانین کثیف اسلامی اینها زمینه‌ساز جنایاتی هستند که این بار در بوکان اتفاق افتاده است. جنایتی که قلب هر انسانی را به درد می‌آورد. تردیدی نیست که مجرمین این عمل شنیع و ضدانسانی باید محاکمه و مجازات شوند.

در تجمع روز جمعه ۵ بهمن فرماندار بوکان بر روی چهارپایه می‌رود و رو به مردم خشمگین از این واقعه نکان‌دهنده و برای فرونشاندن خشم مردم، از اعدام و سنگسار مجرمین سخن می‌گوید. همه شما می‌دانید که امثال همین فرماندار در بوکان و دیگر شهرهای کردستان همان کسانی هستند که مدام مردم معترض را می‌گیرند و به دار می‌زنند. همان کسانی هستند که تنها یک هفته قبل ۳ جوان را بر و انت سوار کردند و با تحقیر و توهین در سطح شهر می‌چرخاندند. همان کسانی هستند که امثال پخش‌شان عزیز و وریشه مرادی را می‌گیرند و حکم اعدام برایشان صادر می‌کنند و اکنون به خیال خودشان از خشم و جریحه‌دار شدن احساسات مردم می‌خواهند استفاده کنند تا بار دیگر چوبه دار برپا کنند و به‌ویژه به دنبال اعتصاب عمومی قدرتمند شما علیه مجازات اعدام و احکام اعدام می‌خواهند با اعدام این مجرمین موفقیت شما در اعتصاب علیه اعدام را خنثی کنند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن تسلیت و همدردی عمیق با بستگان نیان چلیپانی از شما مردم مبارز و آگاه بوکان می‌خواهد، مادر داغدار نیان عزیز را تنها نگذارید و هم‌زمان که بر محاکمه و مجازات مجرمین این پرونده بر اساس معیارهای دنیای امروز پافشاری می‌کنید،

عنوان "ارادل‌واوباش" و درحالی که لباس زنانه بر تن یکی از آنان کرده بودند، در خیابان‌های مریوان گردانند. ۱۳ سال قبل این بی‌حرمتی با عکس‌العمل بجا و پاسخ دندان‌شکن مردم در سطح شهر مریوان روبرو شد و فراتر از مریوان، مردم شهرهای دیگر کردستان آنرا تقبیح و علیه آن ایستادند.

مأموران حکومت بارها با تراشیدن سر جوانان پسر و آویزان نمودن آفتابه بر گردن و رفتارهای شنیعی از این دست، آنان را تحقیر و مورد اذیت و آزار قرار داده‌اند. حرکت توهین‌آمیز مأموران رژیم در شهر بوکان و گرداندن افراد در سطح شهر، اوج بی‌حرمتی حکومت اسلامی به کرامت انسانی شهروندان در واپسین روزهای عمر خود است. این رفتار شنیع و این لمپنیسم اسلامی باید با اعتراض جوانان، مردم و به‌ویژه فعالین و نهادهای اجتماعی در شهر بوکان و دیگر شهرها روبرو شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن این عمل ضدانسانی و توهین و تحقیر شهروندان، از مردم مبارز شهر بوکان می‌خواهد که نسبت به این بی‌حرمتی به کرامت انسانی اعتراض کنند و حرکت اعتراضی مردم، زنان و مردان شهر مریوان در فروردین ۱۳۹۲ را بیاد آورده و آنرا الگوی خود قرار دهند. آن ایام مردم مبارز مریوان با اعتراض به‌موقع خود جواب دندان‌شکنی به لمپن‌های حکومت اسلامی دادند.

مردم مبارز بوکان، زنان، مردان و جوانان انقلابی!

شما در جریان حرکت انقلاب زن زندگی آزادی کارنامه درخشانی از خود به ثبت رسانیده‌اید. نباید نظاره‌گر این دست از رفتارهای شنیع و ضدانسانی شد. اجازه ندهیم رژیم با برگزاری چنین نمایش شرم‌آوری فضای انقلابی و اعتراضی شما را تحت‌الشعاع قرار دهد. این رفتار بی‌شمارانه مأموران و دستگاه سرکوب باید خشم و اعتراض‌ها را صدچندان کند. با تجمع به اشکال مختلف علیه اعمال مزدوران حکومت و علیه شکستن حرمت و کرامت انسانی باید وسیعاً اعتراض کرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ دی ۱۴۰۳، ۱۸ ژانویه ۲۰۲۵

برای آزادی دستگیرشدگان سنندج دست به اعتراض بزنیم

روز چهارشنبه سوم بهمن چهار نفر از کسبه در شهر سنندج به نام‌های محمد سیف‌پناهی، سینا رضایی، محمد اطلسی و امید محمدی به دلیل شرکت در اعتصاب عمومی سوم بهمن در کردستان در اعتراض به احکام اعدام پخش‌شان عزیز و وریشه مرادی، توسط نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

مردم مبارز و شرافتمند کردستان!

به شما مردم آزاده و شجاع کردستان که روز چهارشنبه سوم بهمن دست به اعتصاب عمومی و موفق زدید صمیمانه درود می‌فرستیم. اعتصاب متحدانه شما عمیقاً قابل قدر دانی است. رژیم تلاش زیادی کرد که جلو این اعتصاب را بگیرد اما در مقابل اتحاد سراسری شما شکست خورد. حال در اوج درماندگی تصور می‌کند با دستگیری کسبه، یا احضار برخی از شهروندان و پلمب مغازه‌ها می‌تواند شکست خود را جبران کند. همان‌طور که تلاش رژیم برای جلوگیری از اعتصاب را به شکست کشانیدیم دست‌وپا زدن‌های آن پس از اعتصاب موفق‌مان را هم باید به شکست بکشانیم.

باید برای آزادی دستگیرشدگان بلافاصله دست بکار شویم و با همراهی خانواده‌های دستگیرشدگان در مقابل مراکز حکومتی تجمع کنیم و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط عزیزانمان شویم و اگر خواستند جریمه کنند باید دسته‌جمعی از پرداخت جریمه خودداری کنیم. به دنبال این اعتصاب موفق و سراسری در موقعیت بهتری قرار داریم و قادریم همه

نه به اعدام که دامنه‌اش به ۳۴ زندان کشیده شده است و به اعتراض برخاستن بخش‌های مختلف جامعه یک حرکت بزرگ اجتماعی علیه اعدام‌ها و پیشگیری از انجام جنایت دیگری توسط جمهوری اسلامی و اعدام پخشان و وریشه است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی قاطعانه از فراخوان اعتصاب عمومی در کردستان برای روز چهارشنبه سوم بهمن‌ماه حمایت می‌کند و می‌کوشد صدای این اعتراض در سطح جهان باشد.

مردم کردستان تجربه درخشانی از برپایی اعتصابات عمومی در برابر تعرضات حکومت دارند و در شرایط و فضای انقلابی جامعه انتظار بیشترین همبستگی‌ها با این فراخوان وجود دارد. تمام بخش‌های معترض علیه اعدام در سطح جامعه از جمله تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی می‌توانند با بیانیه‌های حمایتی خود و به هر شکلی که می‌توانند تلاش کنند تا این روز را به روز اعتراضی بزرگی علیه اعدام و ماشین سرکوب و جنایت حکومت اسلامی تبدیل کنند.

احکام صادره اعدام برای پخشان عزیزی، وریشه مرادی، عباس دریس و همه احکام اعدام دیگر باید لغو شوند. اعدام‌ها باید متوقف شوند، تمامی زندانیان سیاسی بدون قیدوشرط آزاد شوند و مجازات اعدام برچیده شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۱ ژانویه ۲۰۲۵، ۲ بهمن ۱۴۰۳

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

FREE THEM NOW
WE SUPPORT THE GENERAL STRIKE IN KURDISTAN AGAINST EXECUTIONS!

پخشان_عزیزی
VARISHEH MORADI

وریشه_مرادی
PAKSHSHAN AZIZI

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO
CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

JANUARY 22 2025 GENERAL STRIKE IN KURDISTAN
چهارشنبه سوم بهمن، اعتصاب عمومی در کردستان

جمهوری اسلامی سرنگون باید گردد!



CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

علیه اراجیف فرماندار بوکان مبنی بر اعدام و سنگسار مجرمان قاطعانه بایستید و به آن اعتراض کنید.

کاربه‌دستان حکومت که در مقابل اراده شما برای دست‌زدن به یک اعتصاب باشکوه احساس شکست می‌کنند می‌خواهند ناکامی و شکست خود را جبران کنند. نباید اجازه داد فضای اعتراض بر حق شما علیه کل دستگاه حاکمیت و خواست شما مبنی بر مجازات مجرمین این پرونده باعث خنثی کردن تلاش شما و مردم سراسر کشور علیه اعدام و آدم‌کشی. حکومت شود. راه خلاصی از بی‌حقوقی و تجاوز به کودکان و زنان و پایان دادن به فرهنگ کثیفی که حکومت مروج آن است سرنگونی جنایت‌کاران حاکم است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۵ بهمن ۱۴۰۳، ۲۴ ژانویه ۲۰۲۵

تجمع اعتراضی علیه حکم اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی در ونکوور

روز نوزده ژانویه (۳۰ دی ۱۴۰۳) تجمعی اعتراضی علیه حکم اعدام پخشان عزیزی، وریشه مرادی و افزایش اعدام‌ها در ایران برگزار شد. در این تجمع پول فینچ (Paul Finch) رئیس کل اتحادیه خدمات دولتی ونکوور و حومه در کانادا (BCGEU) و مسعود ارژنگ معاون رئیس این اتحادیه نیز شرکت داشتند و پل فینچ و تهمینه صادقی از سخنرانان این تجمع بودند. فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران (FREE THEM NOW) بخشی از سازمان‌دهندگان این تجمع بودند و چادر و میز اطلاع‌رسانی این نهاد را برپا کرده بودند که بر آن لوگوی این نهاد و پوسترهایی از پخشان عزیزی و وریشه مرادی و کارگران زندانی نصب شده بود. در مقابل این چادر تهمینه صادقی از اعضای این کمپین گفتگویی با پول فینچ دبیرکل اتحادیه کارگران خدمات دولتی در ونکوور و حومه داشت. پول فینچ در سخنان خود از پخشان عزیزی و وریشه مرادی حمایت کرد. بر لغو احکام اعدام آنها و دیگر احکام اعدام و لغو مجازات اعدام تأکید کرد. و خواستار آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شد. در این محل عباس ماندگار عضو دیگری از کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران نیز سخنرانی کرد. او ضمن اعلام اعتراض به حکم اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی و دیگر احکام اعدام بر لغو مجازات شنیع اعدام و تمامی احکام صادر شده اعدام تأکید کرد.

اتحادیه خدمات دولتی کانادا در ونکوور و حومه از حمایت‌کنندگان کارزار برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار است. کمپین برای آزادی کارگران خواهان لغو فوری اعدام پخشان و وریشه و آزادی فوری و بدون قیدوشرط تمامی زندانیان سیاسی و لغو کامل مجازات شنیع اعدام است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

یکشنبه ۱۹ ژانویه (۳۰ دی ماه ۱۴۰۳)

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://www.free-them-now.com/>

از اعتصاب عمومی در کردستان علیه اعدام‌ها حمایت می‌کنیم!

احزاب سیاسی مختلف و نیز نهادهای مدنی و دادخواهان در کردستان در اعتراض به احکام صادر شده علیه زندانیان سیاسی و خطر اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی مردم را به برپایی اعتصاب عمومی در چهارشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۳ فراخوانده‌اند. این فراخوان در کنار سه‌شنبه‌های

از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۲۸ دی - ۵ بهمن ۱۴۰۳

جمعه ۵ بهمن

سهمی نصیب آنها نکرده است. به همین خاطر امروز حضور مقامات حکومتی در خوزستان با اعتراضات مردمی روبرو شد.

- جوانان بیکار و معترض در اهواز، سخنرانی پزشک‌های را با شعار بیکاری، بیکاری مختل و حضور او را به صحنه اعتراض خود تبدیل کردند.

- جمعیت بزرگی از مال‌باختگان شرکت گل‌باران در دزفول در اعتراض به اختلاس‌ها و یغما رفتن اندوخته‌هایشان با فریاد "خیلی دروغ شنیدیم، عدالتی ندیدیم" دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

این حرکت اعتراضی هم‌زمان با سفر هیئت دولت و رئیس‌جمهور به خوزستان برپا شد و جمعیت بزرگی از بازنشستگان زن و مرد با در دست داشتن بنرها و پلاکاردهایی حضور مقامات حکومتی را به صحنه اعتراض خود علیه تعرضات معیشتی حکومت و دزدی‌ها تبدیل کردند. مال‌باختگان می‌گویند که مدیر این مجتمع املاک زیادی دارد و می‌تواند با فروش املاک خود مطالبات سپرده‌گذاران را پرداخت کند. سهام‌داران مال‌باخته مجتمع تجاری گل‌باران دزفول در ماه‌های قبل نیز تجمعاتی اعتراضی در دزفول، اهواز و تهران داشته به مقامات حکومتی در سطح استان و کشور و قوه قضائیه مراجعه کرده‌اند و جوابی نگرفته‌اند.

این مجتمع در شهریور ۱۳۹۸ در هشت طبقه و بالغ بر ۲۴ هزار مترمربع فضای خالص توسط بخش خصوصی به بهره‌برداری رسید و دی‌ماه ۱۴۰۲ تحت عنوان مشکلات مالی تعطیل شد. مال‌باختگان شرکت گل‌باران خواستار پرداخت فوری سپرده‌هایشان از این شرکت هستند. دزدی‌ها و اختلاس‌ها و بالا کشیدن اندوخته‌های مردم با سرهم‌بندی کردن شرکت‌های جعلی و با تقلب و دروغ و بازی‌های مختلف، یک کار روتین دست‌اندرکاران و وابستگان حکومتی است و به بخش‌های زیادی از مردم که اندوخته‌های ناچیزشان دزدیده شده، آسیب وارد کرده است. جنبش مال‌باختگان یک جنبش گسترده در ایران است.

سه‌شنبه ۲ بهمن

- محکومیت #منازله سیدنژاد، فعال کارگری پس از پذیرش درخواست تجمیع احکام، توسط دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان به ۳ سال و ۳ ماه و دو روز حبس تغییر کرد. وی پیش‌تر در دو پرونده مجزا توسط شعب دادگاه انقلاب در اهواز و تهران مجموعاً به ۶ سال حبس محکوم شده بود. بر اساس حکمی که در تاریخ ۲۹ آذر توسط شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان خوزستان به ریاست سعید کوشا صادر و به آقای سیدنژاد ابلاغ شده است، وی از بابت اتهام "عضویت در گروه معاند نظام" به دو سال و هفت ماه و شانزده روز حبس و در خصوص اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام" به هفت ماه و شانزده روز حبس محکوم شده است. با اعمال ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، مجازات اشد یعنی ۲ سال و ۷ ماه و ۱۶ روز حبس برای او قابل اجرا خواهد بود.

دوشنبه ۱ بهمن

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های گذشته برای پیگیری مطالبات خودشان تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی و اختلاس‌گری‌های حاکم و بساط سرکوب حکومت است و اجرای همسان‌سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای رقم سبب معیشتی ۴۵ میلیونی و درمان رایگان مطالبات سراسری آنهاست. بعلاوه اجرای آیین‌نامه ۸۹/۲۴ مردادماه سال ۸۹ هیئت‌مدیره وقت شرکت مخابرات ایران و پایان دادن به اختلاس‌گری‌ها خواست‌های فوری بازنشستگان مخابرات است. ستاد اجرایی فرمان امام تحت اختیار بیت‌خامنه‌ای و بنیاد تعاون سپاه پاسداران است و این‌ها سهام‌داران عمده شرکت مخابرات هستند که هدف شعارهای اعتراضی قرار دارند.

یکشنبه ۳۰ دی

- بازنشستگان تأمین اجتماعی همچون یکشنبه‌های هر هفته در چند شهر از جمله در شوش و اهواز تجمع کرده و پیگیر مطالبات خود شدند. در اهواز

- امان جلالی‌نژاد و مهدی معمار، متهمان سیاسی که در یک پرونده قضایی مشترک هستند، بیش از ۹ ماه است که در زندان شیبان اهواز به سر می‌برند. بنا بر خبرها روز چهارم بهمن پرونده آنها به دلیل عدم حضور قاضی از شعبه چهارم دادگاه انقلاب اهواز به شعبه سوم همان دادگاه منتقل شده است. اما تاکنون زمانی برای رسیدگی به اتهامات آنها تعیین نشده است.

امان جلالی‌نژاد و مهدی معمار قبلاً در هفدهم آذرماه در خصوص بخش دیگری از پرونده‌شان، در شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری اهواز به ریاست قاضی پورسراج هم محاکمه شده بودند.

لازم به یادآوری است که قبلاً کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در گزارشی بدون اشاره به اتهامات مطروحه علیه امان جلالی‌نژاد، اعلام کرده بود که او توسط دادگاه کیفری به سه سال و شش ماه حبس محکوم شده است. همچنین در خبر دیگری از صدور شش ماه حکم برای مهدی معمار گزارش شده بود. طبق گزارش هرانا پیش‌تر یکی از نزدیکان خانواده مهدی معمار در گفت‌وگو با این رسانه گفته بود: "در مراحل اولیه بازپرسی، با جوجو به مهدی گفته بود اگر همکاری کند و برگه‌هایی را امضا کند، آزاد خواهد شد. مهدی نیز بدون آگاهی از محتوای این برگه‌ها، آن‌ها را امضا کرد که در نهایت به‌عنوان مستندات علیه خود او مورداستفاده قرار گرفت. همچنین او در برخی جلسات بازجویی مجبور به امضای برگه‌های سفیدی شده است که احتمالاً این برگه‌ها نیز علیه وی استفاده خواهند شد."

این خبر نشانه‌ای دیگر از سیاست جنایت‌کارانه حکومت مبنی بر اعتراف‌گیری اجباری در زیر شکنجه و صدور محکومیت‌های سنگین برای زندانیان سیاسی است.

امان جلالی‌نژاد، فارغ‌التحصیل رشته نقاشی، معلم و عضو شورای هنرستان امیرکبیر اهواز است که در تاریخ ۲۰ فروردین امسال، توسط نیروهای امنیتی در محدوده ورودی شهر اهواز بازداشت شد. مهدی معمار نیز دانشجوی مکانیک است که در تاریخ ۲۷ فروردین‌ماه سال جاری، توسط نیروهای امنیتی در منزل مسکونی خود در اهواز بازداشت شد.

این متهمان سیاسی به همراه جعفر سلمان‌نژاد، محمد سلامت، راستین قنوتی و مهشید لطفی، دیگر متهمان این پرونده در تاریخ ۲۱ خرداد ۱۴۰۳، در شعبه ۱۳ دادسرای انقلاب اهواز از جمله به‌خاطر اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی/خارجی، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، عضویت در جمعیت‌های معارض کشور، محاربه، افساد فی‌الارض، نگهداری اسلحه/مهمات جنگی به‌صورت غیرمجاز و نگهداری شوکر (شوکه‌دهنده‌ها) تفهیم اتهام شده بودند.

- بنا بر خبرها #محمد بوعنار ساکن منطقه باهنر یکی دیگر از بازداشت‌شدگان موج دستگیری‌های اوایل دی‌ماه در اهواز است که همچنان در بازداشت به سر می‌برد. تمامی این دستگیری‌ها باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند.

پنجشنبه ۴ بهمن

- حجت آل‌محمدی، شهروند بازداشتی اهل ایذه، بیش از ۴ ماه است که در زندان شیبان اهواز بلا تکلیف مانده است. بنا بر خبرها پرونده او کماکان در شعبه دو دادسرای ایذه در دست بررسی است.

چهارشنبه ۳ بهمن

- جوانان بیکار بخش غیرزانیه اهواز با خواست اشتغال مقابل درب کارخانه نمک‌زدایی تجمع کردند. این تجمع هم‌زمان با سفر پزشک‌های به همراه هیئت دولت و وزیر نفت به خوزستان انجام گرفت. اعتراض این جوانان به بیکاری و بی‌تامینی است. اهالی این روستاها می‌گویند با صدها چاه نفت و تأسیسات عظیم نفت و گاز، شرکت ملی نفت جز یک محیط‌زیست مسموم و آلوده

دارد.

- محمد طهماسبی زندانی سیاسی بیش از ۵ ماه است که در زندان شیپان اهواز به سر می‌برد. او اهل ایذه است و طبق گزارشات چندی پیش پرونده وی از دادرسی اهواز به دادرسی ایذه ارسال شد و خانواده وی به مرجع قضایی این شهر مراجعه کردند. در آنجا به آنها اعلام شده که کماکان تحقیقات ادامه دارد. محمد طهماسبی از دسترسی به وکیل نیز محروم است و با آزادی او با وثیقه مخالفت شده است. محمد طهماسبی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قیدوشرط آزاد شوند. واحد خوزستان حزب کمونیست کارگری تشدید فشارهای امنیتی بر روی فعالین سیاسی و مردم معترض در خوزستان را شدیداً محکوم می‌کند. پاسخ این سرکوبگری‌ها گسترش اعتراضات است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۵ بهمن ۱۴۰۳، ۲۴ ژانویه ۲۰۲۵



اخبار خوزستان

بازنشستگان علی‌رغم آلودگی شدید هوا که وضعیت قرمز اعلام شده بود مقابل تأمین اجتماعی تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان شعار می‌دادند: "دولت انتصابی، دروغ میگه حسابی"، "نه پول داریم نه نونی؛ مرگ بر این گرونی"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون"، "تامینو غارت کردن، ما را بیچاره کردند"، "نه خواری نه ذلت، مرگ بر این عدالت"، و "گرانی تورم، بلائی جان مردم".

بازنشستگان در شوش که مثل هر هفته از شهرهای شوش، هفت‌تپه و کرخه گردآمده بودند در ادامه شعاردهی‌های پر شور خود با خواندن سرود زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در ره آزادی کل بساط توحش و بردگی حاکم را به چالش کشیدند.

شنبه ۲۹ دی

- امان جلالی نژاد معلم هنر زاهدانی که از فروردین امسال تاکنون در زندان شیپان اهواز بلا تکلیف است، از دسترسی به ساده‌ترین حقوق خود به‌عنوان زندانی محروم شده است. طبق گزارشات پس از انتشار مصاحبه فرزانه زیلابی وکیل او در خصوص وضعیت مبهم پرونده امان جلالی نژاد و عدم وجود ادله کافی برای اتهامات، نامه تردد او به بخش فرهنگی زندان لغو و امکان دسترسی‌اش به کتابخانه مرکزی را نیز گرفته‌اند. همچنین اخیراً تماس‌های تلفنی او محدود شده و حتی در ملاقات با پدر و مادر سالخورده‌اش که در ۹ ماه اخیر با وجود بیماری‌های بسیار به دلیل به طول کشیدن دادرسی در اهواز سرگردان بوده‌اند توسط عوامل حفاظت زندان، همراهی می‌شوند. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ضمن بازتاب این خبر و حمایت از امان جلالی نژاد چنین نوشت: تشدید سیستماتیک فشارهای امنیتی هرگز مانع پیگیری مطالبات مشروع و قانونی معلمان نخواهد شد.

جمعه ۲۸ دی

- به دنبال اعتصاب روز گذشته کارگران شرکت پانیا پرتو کهربای اندیمشک، مسئولان این شرکت که از حمایت نهادهای حکومتی و نماینده مجلس حسن‌وند برخوردار هستند در شب گذشته از ورود کارگران شیفت شب به کارخانه به بهانه تعطیلی جلوگیری کردند. اعتراضات کارگران اما همچنان ادامه

اعدام شما را نجات نخواهد داد!

چهل سال است که مدام کشته‌اید و اعدام کرده‌اید. چهل سال است که عزیزان بسیاری را با بی‌رحمی از ما مردم گرفته‌اید. اما چه حاصلی جز فوران خشم ده‌ها میلیونی مردم داغ‌دیده و دادخواه را درو کردید؟ اعتراض و تجمع و اعتصابات از همه‌جا می‌جوشد. کارگران و پرستاران و بازنشستگان و دانشجویان و کشاورزان و دانش‌آموزان بیش‌ازپیش بر سر شما فریاد می‌زنند و تحقیرتان می‌کنند. گشت ارشاداتان در برابر زنان جسور و آزاده دود شد. حجاب اجباری‌تان جلو چشمانتان زیر پا له شد. فریاد سرنگونی از همه‌جا حتی در درون زندان‌ها طنین‌انداز است. گسترده از قبل پیاپی می‌خیزیم! دست‌به‌دست هم می‌دهیم! ماشین اعدام را در هم می‌کوبیم و عزیزانمان را آزاد می‌کنیم و بر سر دست بلند می‌کنیم! زن زندگی آزادی! نابود باد حکومت

اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3
Bankkontonummer: 9960264 1223793
IBAN: SE1095000099602641223793
BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli
Bankverbindung: Postbank
IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23
BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest
Account holder: WPI
Account number: 45477981
Sort code: 60-24-23
IBAN: GB77NWBK60242345477981
BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

کیوان جاوید: ۰۰۴۴۷۷۸۸۹۸۸۶۴۳

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید